

## جنبش دانشجویی ، نتایج و تاثیرات آن

### از ارتقاء جنبش دانشجویی تا جنبش بنیان کن کارگران و ذمته کشان

یکرشته مطالبات صرفاً "رفاهی صنفی آغاز میگردید و در ادامه با مطالبات سیاسی تکمیل میشد، این بار از همان روز اول با پیش کشیدن یکسری مطالبات سیاسی که در شعارهای دانشجویان انعکاس میافت، آغاز گردید و در ادامه نه فقط سران و کل حکومت را زیر ضرب میبرد، بلکه راه جدیدی را برای مقابله با رژیم جمهوری اسلامی نیز ترسیم میکرد. شعار هایی که در اعتراض به حقان و محدودیت پیش از پیش آزادی های سیاسی داده میشد و در مرگ بر استبداد و مرگ بر فاشیسم و امثال آن انعکاس داشت، به سرعت به شعارهای مستقیمی علیه خامنه ای و سلطنت اسلامی او ارتقا یافت. این شعارها ، مثل

صفحه ۳

جنبش دانشجویی و مبارزات اعتراضی دانشجویان، برغم تمامی تلاشهای بازدارنده و اقدامات سرکوب گرانه رژیم جمهوری اسلامی، در هیچکجا از سالهای خلقان و سرکوب گذشته، بلکه خاموش نشده است، بلکه پیوسته ادامه داشته و بویژه در ۲ سال اخیر روند گسترش یابنده و رو به اعتلاتی را نیزیموده است. مبارزات اعتراضی کشته و علی اخیر دانشجویان اما تمامی مرزهای پیشین را در این زمینه پشت سر گذاشت و جنبش دانشجویی را به مرحله ای عالی تر و کیفای نوینی وارد ساخت که مختصات آن را بطور فشرده می توان چنین بر شمرد.  
۱- مبارزات اعتراضی دانشجویان که عموماً حول

بحران سیاسی موجود روزبه روز عمیق تر و گسترده تر میشود. این بحران چنان ژرف است که تمام ارکان حکومت اسلامی را به لرزه در آورده است. تحولات سیاسی یک ماه اخیر نیز این واقعیت را آشکارا نشان داد که جمهوری اسلامی را راه نجاتی از این بحران نیست. اکنون دیگر پس از رویدادهای اخیر جنبش دانشجویی، حتی توجیه گران نظم موجود اذاعن میدارد که این بحران فروپاشی حکومت اسلامی است. تمام شواهد رویدادها نشان میدهد که بحران سیاسی موجود، بحرانی انقلابی است که راه حل آن مقدم بر هرچیز نفی جمهوری اسلامی است. این بوهه تضادهای اجتماعی که به سرحد اتفاق رسانیده اند، هیچ گونه راه حلی در راه چوب نظر موجود، نظام سیاسی موجود و قوانین موجود نمی یابند. بالعکس آنها همگی مانع پیدا کنند. این واقعیت را بحران سیاسی علاوه ناپذیر موجود که پیوسته ژرف تر میشود آشکارا به همگان نشان میدهد.

رژیم با بن بست روبروست. سیاستهای حکومت اسلامی در همه عرصه هایا شکست روبرو شده است. این شکست و ناتوانی رژیم برمدم و حتی جناحهای از هیئت حاکمه آشکار شده است. رژیم دیگر نمیتواند همچون گذشته حکومت کند. شکست سیاستهای ۲۰ ساله رژیم ورشد روز افزون نارضایتی و اعتراض توده ای، تضاد های درونی هیئت حاکمه را تا بدان حد تشدید کرده که شکافی عمیق در دستگاه دولتی ایجاد شده است. این ورشکستگی سیاستهای رژیم و شکاف های روز افزون در بالا، در میان هیئت حاکمه، از نشانه های بارز این بحران سیاسی ژرف است.

اما در این بحران، نشانه مهم تر در این است که مردم دیگر تاب تحمل وضع موجود را ندارند. جنبش های اعتراضی علیه رژیم که غالباً اشکال قهرآمیز بخود گرفته اند، پیوسته در حال گسترش اند. انفجار خشم و نارضایتی توده ای هر لحظه ابعاد وسیع تری به خود می گیرد. طفیان جنبش دانشجویی در تیرماه امسال نمونه دیگری از این انفجار خشم و نارضایتی عمومی علیه رژیم بود. این جنبش اعتراضی که در اوج خود به تظاهرات و سنگر

صفحه ۲

#### در این شماره

- ۱۶ آکسیونهای اعتراضی در خارج کشور در حمایت از مبارزات دانشجویان در ایران
- ۷ جمهوری و حکایت مردگان! (در ستون مباحثات)
- ۵ تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۴۰)
- ۱۴، ۱۰، ۲ اطلاعیه ها
- ۹ اخبار از ایران
- ۱۱ اخبار کارگری جهان

### پیرامون اتحاد عمل ها

کنکو با رفیق الف - جواد زاده . یکی از اعضاء کمیته اجرائی سازمان  
صفحه ۴

ازمیان نشریات

جناح چپ راه کارگر باید نوسان را کنار بگذارد ۱۵



## جنبش دانشجویی ، شايخ و تأثیرات آن

جمهوری اسلامی مردم ایران را کشتار می‌کند  
دولت‌های غربی از حکومت اسلامی حمایت می‌کنند

درست در روزی که مزدوران و قمه بستان وابسته حکومت پس از سرکوب و به خون کشیدن ظاهراً و تصریفات یک هفتاد و دانشجویان های تهران را که کردند بودند و نعره سر می دادند که دستگیر شدگان تظاهرات ها، باید به عنوان «محارب و مفسد» به اشد مجازات محکوم شوند، درست در شرایطی که جناح های مختلف رژیم از اختلاف ها و نیاشات را کار گذاشتند و پنهان و دندان نشان دادند و آشکارا اعلام کردند که هر ابراز مخالفت با حکومت اسلامی را به شایدترین وجه سرکوب خواهند کردند، درست از تریبون تظاهرات «بیعت مجدد با رهبری» که دیگر شورای امنیت ملی رژیم از تریبون تظاهرات سرکوبی و سیاست و کشتاری خوین خبر داد، وزیر خارجه فرانسه، اعلام کرد دولت فرانسه بر سفر خانمی به فرانسه بایی می شودند وی روز چهارشنبه ۱۴ می ۱۹۷۸ میلادی با خواست مطلب ثابت دولت فرانسه امدادوار است که بتواند با «حوالات» اقای خاتمی و دولتش در مورد سیاست درهای باز و نوگرایی «همکاری» کند.

از حیات اشکار و ویچانه از جمهوری اسلامی، آنهم درست در شرایطی که او ایش و قمه بستان رژیم به خیابان ها ریخته بودند تا سرکوب خوین یک هفته اعتراض دانشجویی را جشن پنجمین، این توهی پرایکی سبست به جانبا در حکومت اسلامی که کویا خوارستار «نوگرایی» است، ناشی از فrust اسلامی و موضوع ارتضاعی دولت های امپریالیستی و از جمله دولت فرانسه در مقابل حکومت اسلامی است. انها در حکایه طاهر از آزادی های سیاسی و از دمکراسی سخن می کنند، در عمل با اتفاق های سیاسی از جمهوری اسلامی، در نبرد میان توهدهای مردم با حکومت با تقویت می کنند تا منافع سیاسی و اقتصادی شان تامین شود. از این روست که در شرایطی که توهده مردم ایران به مایه ارتضاعی کلیه جناح های رژیم پی بردند و آشکارا از ضرورت سرنگونی کلیت رژیم سخن می گویند، وزیر خارجه فرانسه از همکاری با رئیس جمهور حکومت ترور و حوثت در راه «نوگرایی» حرف می زند از آزاد و دکرات

پذیرد. موضع دولت فرانسه در حیات از جمهوری اسلامی و دعوت رئیس جمهور این حکومت جناتکان به فرانسه را شیداء محکوم می کنیم. ما خواهان قطع رابطه دولت های غربی با جمهوری اسلامی و حیات از مبارزات مردم ایران در راه سنگونی جمهوری اسلامی و پرتواری حکومتی دکتر انتیک هستیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
زنده باد سوسیالیسم  
کار - نان - آزادی - حکومت شورایی  
مشکلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقفیلت)  
۱۵ ژوئن ۱۹۹۹

که در عین جانبداری از خاتمی، ادعاهای عریض و طویل "ضداستبدادی" لبیرال منشی و "ازادیخواهی" داشتند، علیه جنبش دانشجویی و خواستهای بحرق آنها موضع گرفتند. هنگامی که جریان انقلابی جنبش دانشجویی، آشکارا درخیابانهای علیه استبداد و اختناق دست به عمل زد، آزادی خواهان دروغین دست خود را روکردند. آنها دانشجویان را دعوت به ارامش، دست برداشتند از تظاهرات، کنار نهادند شعارهای ضداستبدادی و ضدحاکومی فرا خواندند. برخی از آین جریانات که سخنگویان آنها سران تھشت ازادی و روزنامه‌هایی امثال نشاط است، با پیشمری تماز "ورو مقتدرانه دولت یه صحنه" "فروشندهان اغتشاش" و سرسکوب جنبش دانشجویی دفاع کردند. در اینجا نیز نه فقط توده دانشجویان بلکه توده های سعی مردم هم یک بار دیگر دیدند که اینان دشمنانی هستند که می‌کوشند خود را به ایناس دوستان مردم درآورند. جنبش دانشجویی و اوچ گیری بحران بسی چیزها را که نهفته و پنهان بود برملا کرد. هر کس و هرجایی بنا به ماهیت واقعی اش موضع خود را اتخاذ کرد. جزاین نیز میتوانست باشد. در دوران بحران سیاسی و هنگامی که دوران انقلابی اغاز میگردد، همه ناگزیرند، آشکارا موضع بگیرند. در این دوران، جنبش توده‌های روزبه روزدایکال تر می‌شود و با مطالبات انقلابی و رادیکال قم به صحنه می‌گذارد. دربرابر این جنبش که رادیکال تر می‌شود، جریانات بورژوازی و سازشکارکه از انقلاب و جنبش توده ای هراس دارند، بیش از پیش به راست گرایش می‌بینند و وراه نجات خود را در تحداد با مرتاجع ترین و راست ترین جریانات بورژوازی می‌یابند.

۴- برغم این که در جریان ظاهرات و سنتکردنی های خیابانی دانشجویان، جناح خاتمه ای از ترس رشد جنبش به جناح دیگر نزدیکتر شود و متعدد است بدست سرکوب زدن، اما این جنبش تاثیرات برقاپلی امنکاری بر تشدید تضادهایی دو جناح اصلی رژیم و گروهیندیه های درونی هر جناح بر جای خواهد نهاد. ازانجایی که بحران به جای خود یافی است، هریک از دو جناح میکوشند از روی دادهای جنبش داشتجوئی به نفع سیاست خود نتیجه گیری کنند و برآن به عنوان راه حل تأکید نمایند. با توجه به این که عجالات ابتکار عمل در دست جناح خامنه ای است و این جناح میکوشد در پی سرکوب جنبش داشتجوئی، سیاستهای خود را برای مهار جنبش توده ای پیش ببرد، تضاد جنابها ابعاد گسترده تری بخود خواهد گرفت. علاوه بر این از هم اکنون روشی است که رویدادهای اخیر جنبش داشتجوئی، گروهیندیهای درونی هر جناح را با اختلافات و تضادهای جدی رو بربو ساخته است. در جناح خامنه ای، برخی از کروها و دستگاه، مصمم ترازن گذشته بر سیاست سرکوب و اختناق تأکید دارند و براین اعتقادند که باید سریعتر دست به کارشند و پیش از آنکه سررشنید امور به کلی از دست رژیم خارج شود، جنبش اعتراضی را سرکوب و مهار کرد. اینان معتقدند که برای سرکوب و مهار جنبش باید قبل از هرچیز با جناح رقیب تسویه حساب کرد. اما در همین جناح، کروه دیگری خواهان نزدیکی بیشتر به جناح خاتمه ای برای حفظ رژیم اند. اینان خواهان "وحدت خودی ها علیه" غیر خودی ها هستند.

در جناح حامی وظیف طرفدار او بیرههین  
از اختلافات و تضادها وجود دارد و در بی سرکوب  
جنش دانشجوی تشدید شده اند. برخی از  
نیروهای این جناح که در اس آنها خاتمی و  
جمعیت راهنمایان فرار ادارن، ارزش دانش به  
هر اس افتاده و خواهان نزدیکی بیشتریه جناح  
مقابل شده اند، اما گروه دیگری از نیروهای  
این جناح و همچنین اپوزیسیونهای بورژوائی  
طرفدار خاتمی، بالاین نزدیکی به جناح خامنلای  
وعقب نشینی در برابر سیاستهای آن مخالف

بندی های خیابانی انجامید، ۵ روز تمام رژیم را در مخصوصه قرار داد. این جنبش که انعکاس بسیار کسترده ای نه تنها در تهران بلکه در سراسر ایران داشت، مستقیم و آشکار، رژیمجمهوری اسلامی و سران آن را به بیارزه طلبید. شکل مبارزه و شعارهایی که در جریان تظاهرات خیابانی مطرد شد، مضمون انقلابی این جنبش را در راه سرنگونی حکومت اسلامی نشان داد. رژیم البته این بار نیز پس از ۵ روز اعمال قهر و سرکوب توانست این جنبش را عجالتا فرونشاند، اما همانگونه که تکرار مدام جنبش های اعتراضی چند سال اخیر نشان داده است، این سرکوب نه به معنای پایان جنبش و شکست ان، بلکه سراغاز دیگری بر جنبشهای اعتراضی گسترده تر است. چراکه در شرایط وجود یک بحران سیاسی ژرف، او لارژیم توان ان را ندارد که به آسانی جنبشهای اعتراضی را مهار و کنترل کند و ثانیا سرکوب هر جنبشی در این شرایط کنترل شده باشد که تری را در پی خواهد داشت. روشن است که جنبش دانشجویی در مقاطع کنونی در غایب یک جنبش علني توده ای سرسری، نمیتوانست از محدوده اعتلائی که به آن رسید فراتر رود و تردیدی نبود که رژیم این جنبش را سرکوب خواهد کرد، اما برغم تمام نقاط ضعفی که این جنبش داشت، تاثیرات بسیار مهمی بر اوضاع سیاسی ایران، و خامت بیشتر و ضعیت رژیم، اعلاء روحیه مبارزاتی مردم و تشدید بحران سیاسی بر جای گذاشت که شایسته است به چند مورد آن اشاره شود.

۱- جنبش دانشجویی با تظاهرات و سنگربندی های خیابانی، در گیری پانیرهای سرکوب و طرح شعارهای مستقیم علیه دستگاه روحانیت، حکومت مذهبی و سران رژیم، اقتدار پوشالی رژیم را برملا کرد، آسیب پذیری آن را به همه نشان داد و برابر افراد این رژیم بیش از پیش در میان مردم افزود. در جریان این حرکت، توده های زحمتکش مردم مستقیم و غیرمستقیم از دانشجویان حمایت کردند و فقرت و از جارح خود را زرسکوب آهانه تو سط حکومت ابراز داشتند.

۲- تاثیر جنبش اعتراضی دانشجویان بر افشا شی همه جانبی جناح خاتمی و روفداران او براستی عظیم بود. توجیه گران نظام موجود، در طی دو سال گذشته دمام کوشیدند تا جناح خاتمی را تأثیره داده بافته ای از کل حاکمیت معرفی کنند و مبارزه مردم را به مبارزه علیه یک جناح حکومت و برای نفی ولایت فقیه محدود نمایند. اما جنبشی که شکل گرفت، آشکارا عایه همه جناحها و کل رژیم بود. در اینجا بود که دیگر پرده ها کنارزده شدو خاتمی در چهره واقعی خود به عنوان یک مرتع سرکوبی در صرصحه ظاهر شد و دست در دست خامنه ای، فرمان سرکوب و حشیانه دانشجویان و توده مردمی را که به تظاهرات پیوسته بودند، صادر کرد. دیگر همه مردمی که در سراسر ایران چشم به اعتراضات جنبش دانشجویی دوخته بودند، چهره واقعی خاتمی را دیدند و آنهاشی که تا کنون متوجه بودند آشکارا دریافتند که او هم همانند سران، جناح دیگر امثال خامنه ای،

دشمن اشتی ناپذیر مردم، ازادی و حقوق انسان است.  
در مورد نقش پراهمیتی که جنبش اخیر دانشجوئی در افشا ماهیت ارتقای اجتماعی جناح خاتمی و شخص وی داشت، همین قدر کافی است که اشاره شود، بسیار فراتر و عظیم تر از کاری بود که سازمانهای اقتصادی ایران در طول دو سال گذشته برای افشاء ماهیت جناح خاتمی انجام داده بودند.  
۳- جنبش دانشجوئی همچنین ماهیت ادعاهای جریانات بورژوازی طرفدار خاتمی را که خارج از حاکمیت قرار دارند، بر ملاکرد. این دستجات

## از ارتقاء جنبش بنیان کن کارگران و زحمتکشان

نیمه راهان، گام دیگری نیز به جلو برداشت. پنج روژبی در پی مبارزات اعتراضی و تظاهرات خیابانی دانشجویان همراه با سایر جوانان و اقشار مردم که به سرعت به سایر شهرهای بزرگ نیز سرایت کرده بود، آشکارا حکومت اسلامی را به وحشت انداخت. اکنون دیگر هر کس می‌توانست رعشه مرگ را براندام رژیمی که از قبیل هم بیوی الرحمانش بلند شده بود، مشاهده نماید. سران رژیم میدانستند که تداوم این حرکتهای اعتراضی و رادیکال، عواقب بسیار ناکامی برای آنها و نظامشان در پی دارد. از این‌رو متفقاً در صدد سرکوب آن برآمدند. وقتی که نظام در حال "ازدست رفتن" بود، دیگر "صبر" و "سکوت" جایز نبود! وقتی که فرمان حمله توسط خامنه‌ای صادر شد تا هرچه "قاطع تر" و "سریعتر" "محاربین" و "اشرار" سرکوب شوند و بسیاری اعمال خود برسند، این فقط انصارو پیشمرگان و فدائیان رهبری نبودند که آن را لبیک گفته و برای اثبات "کوفی" نبودن خود، با سلاحهای گرم و با چوب و زنجیر و چاقو و سوط میدان آمدند و بجان دانشجویان و اعتراض کنندگان افتادند تا همانطور که رهبرخواسته بود با تمام قدرت، "آشوبگران" را تار و مارکنند و "فتحه" را بخوابانند! این فقط سران و فرماندهان نیروهای مسلح، سپاه پاسداران و سپیج نبودند که از دانشجویان و اعتراض کنندگانی که خط قرمزهای حکومت دینی را شکسته بودند، علیه نظام تعرض کرده و شخص ولی فقیه را زیر سؤوال بردند بودند، با القابی چون ، مفسد، آشوبگر، فتحه گر، اغتشاش گر، ضدانقلاب، ارادل و اوپاش و القاب دیگری نظیر آن، یادکرده و از ضرورت "مشتاًهین" و "تک تک کردن" دانشجویان سخن می‌گفتند، بلکه تمام جناح‌ها و خرده جناح‌ها و سپیاری از بیان ازدیخواهان و شخص‌آقای خاتمی "رئیس جمهور محظوظ" ! هم پای این فرمان حمله و حشیانه را مضاکرند تا دانشجویان و مردم متعرض و بجان آمده را متفقاً" سرکوب و قلع و قمع کنند. جمهوری اسلامی تمام نیروی خود را برای سرکوب این جنبش و مرعوب ساختن مردم بپیمان اورد. ارتاج خشن و قسی القلب در هیئتی از نوجوانان متورسوار خامنای، انصار حزب الله، مزدوران و سپیجیانی که وسیعاً از سایر تقاطع نیز به تهران اورده شده بودند و دریک کلام مجموعه ای از اوپاشان و چاقوکشان در معیت ارگانهای سرکوب نظامی رسمی، عربده کشان خیابان‌های تهران را زیر پا گذاشت و با سرنیزه و گلوله نظم را در پایتخت اعاده کرد. گرچه جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه دانشجویان در کمال ددمشی و خشونت عجالاتاً سرکوب و نظم برقرار شد، اما این نظم، نظم مطلوب مرجعین حاکم است. این نظم، نظمی است بسیار کهنه و ارتاجی، نظمی است ستمکرانه و استثماری که اکثریت عظیم مردم جامعه نیزبان مخالفان و خواهان نظم خویشان. اقدامات اتفاقی از تظاهر کنندگان و فریادهای اعتراضی دانشجویان نیز بازتابی از همین خواست اکثریت است. دانشجویان با جنبش کیفیتاً ارتقا یافته خود بروشند نه فقط نفرت عمیق خود از حکومت مذهبی و نظام جمهوری اسلامی را نشان دارند، و همه آنچه را که توسط طرفداران مبارزه مسالمت امیزراست شده بود، پنجه کردن، بلکه آنان را بین جنبش همچنین نشان دادند نارضایتی تراکم یافته توده‌ای، تا چه حد بالائی جامعه را مستعد انفجار نموده است. دانشگاه و جنبش دانشجویی آینه‌ای است که در آن تلاطم جامعه را باید دید. در این آینه به روشی میتواند جنبش مهمترو با عظمت تری را که در راه است مشاهده کرد. جنبش بنیان کن کارگران و زحمتکشان!

و بارها به بانکها و موسسات دولتی حمله کرده، به آن خسارت رسانده و وسائل نقلیه نیروهای سرکوب را نیز به آتش کشیده اند. مردم فراموش نمی‌کنند و وقتی که آنها در قیام ۲۲ بهمن برای خلی سلاح مراکز نیروهای مسلح به این مراکز حمله کردند، سران رژیم کنونی از جمله همین آقای رفسنجانی گفت که این کار امریکا بوده است! امروز هم خیلی‌ها، پیش از آنکه هنوز کار به آنچه‌ها کشیده شده باشد، از انتساب چین نسبت‌هایی به رادیکالیسم جنبش دانشجویی و بالاخص جنبش توده‌ای، ابائی ندارند و از همین امروز در برآبران ایستاده‌اند.

۴ از دیگر مختصات جنبش دانشجویی‌اخیر، یکی هم این بود که مبارزات اعتراضی دانشگاه‌ها نیز سرایت کرد. سراسری شد و به سایر دانشگاه‌ها نیز سرایت کرد. علاوه بر دانشگاه‌های موجود در تهران، دانشگاه‌های فردوسی مشهد، رشت، اصفهان و دانشگاه شیراز نیز به این حرکت اعتراضی پیوستند و از دانشجویان دانشگاه تهران و مطالبات آنها نیز حمایت کردند که این مسئله میتواند نشانگر آن باشد که وجود تشکل های مستقل و حافظ م وجود دانشجویی، برغم تمامی ضعف‌ها و اشکالاتی که دارند، میتوانند در سراسری کردن امر مبارزه علیه رژیم بیان می‌کردند و سرانجام، "شعار میکشم میکشم آنکه برادرم کشت" و "اوی به روزی که مسلح شویم" نه فقط شعارهای روزهای قیام ۲۰ سال قبل را زنده میکرد، بلکه از این طریق میخواست یک چنین مسیر و چشم اندازی را درست سرگونی رژیم جمهوری اسلامی نیز ترسیم نماید!

۵ اگرچه جنبش دانشجویی در گذشته نیز گام‌های مهمی در راستای استقلال خویش از جریانات دانشجویی وابسته به جناح‌های حکومتی برداشته بود و در پی‌سپاری از موارد، تلاش این هارا که میخواستند مطالبات دانشجویی را در چارچوب قانون اساسی محدود و مقید سازند و این مبارزات راههار و منحرف سازند و بالاخره جنبش دانشجویی را بخدمت یک جناح حکومتی در آورند و آنرا به ابزار مانورهای بی‌خاصیت و فریبکارانه خاتمه تبدیل نمایند، خنثی و افسوس ساخته بود، اما آنچه که در جریان جنبش دانشجویی اخیر اتفاق افتاد، بدین لحاظ چندین و چند کام از آنچه در گذشته رخداد بود جلوتر بود. در جریان مبارزه اعتراضی دانشجویان، نه فرستادکان و محاذل نزدیک به خاتمه کرد آغاز با حکومت کردن جمله به کویی دانشگاه و کویی آن را شکست و خود را به خیابان‌ها کشاند. با خروج دانشجویان از دانشگاه و کوی امیر آباد و کشیده شدن تظاهرات و اعتراضات به خیابان‌ها که برغم منع شدن آن، پنج روز هم ادامه یافت و پیوستن سایر جوانان و اقشاری از مردم به صفوف تظاهرکنندگان رانیزد رهی داشت، جنبش دانشجویی کام بسیار مهم دیگری به جلو و به سمت توده‌ای شدن و یا جوش خوردن با جنبش توده‌ای برداشت.

۶ گرچه مبارزات دانشجویی دریکی دو سال گذشته نیز گاه‌آشکال همراه آمیزی هم بخود گرفته و بدیرگردی و زد خورده میان دانشجویان و نیروهای سرکوب و مزدوران حکومتی مستقر در دانشگاه‌ها نیز آنچه میدیده است، اما اقدامات اعتراضی دانشجویان و سایر تظاهر کنندگان و آتش زدن و سائل نقلیه نیروهای سرکوب و نیز حمله به بانکها و موسسات دولتی، مرحله جدیدی در مبارزه دانشجویی بود. البته جناح‌های حکومتی و سایر جریانات پورژوایی برای نقیح حرکت اعتراضی رادیکال معتبرضیین و در اساس برابر سرکوب آنها، از آتش سوزی فلان مغازه و اماکن عمومی سخن گفتند و روی آن تبلیغات زیانی انجام دادند، اما این اتهامات دروغ هایی بیش نبود. البته در یک چنین تظاهرات و اقدامات اعتراضی وسیع و گستردگی، همیشه احتمال خرابکاری و احتمال اینکه خودریز و عمل آن بخواهد با یکرشته اقدامات خرابکارانه، جنبش اعتراضی رادیکال کند و به آن صدمه بزنند و وجود دارد، اما این تلاش ها در اساس مشخصاً برای مذموم جلوه دادن رادیکالیزه شدن جنبش دانشجویی و سرکوب مردم صورت می‌گیرد. مردم و دانشجویان بانک‌ها و موسسات دولتی را می‌شناسند. آنها وسائل نقلیه سپاه و ارتش را می‌شناسند، این شیوه حرکت، برای مردم پیش رفتند که در برای جنبش رادیکال دانشجویی علناً به صفت شدند. بدین ترتیب جنبش رادیکال و جادکردن صفت دانشجویی با پیش سرگذاشت اینها و جادکردن صفت خود از صفت تمام و استثنانی بود. مردم نه فقط در زمان شاه چنین شکل مبارزه ای را بکار بسته اند و آن را خوب می‌شناسند، بلکه در همین جمهوری اسلامی نیز در اعتراضات و شورش‌های مکرر شهری خود بارها و

شعار "انصار جنایت میکند" که به یورش وحشیانه نیروهای سرکوب و مزدوران و اوباشان به کوی دانشگاه و کشتار دانشجویان و نویسنده‌گان اشارة داشت با شعار "رهبر حمایت میکند" تکمیل میشد و در ادامه بسرعت به شعار "خامنه‌ای حیاکن، سلطنت را رها کن" ۱۸ تیرامسال ۱۶ آذرماست" که قیاس و شباهت رژیم را شاه و جمهوری اسلامی در کشتار دانشجویان را در دل داشت، ارتقا یافت. شعار "دانشجویی خیلی خیلی بود" برادرت کشته شد" یا "ایرانی پی‌آخیز برادرت کشته شد" و شعارهای دیگری نظیر آن، شعار هایی بودند که سایر جوانان و افشار مردم را به مبارزه علیه رژیم دعوت می‌کرد و آشکارا بیان خواست توده ای شدن مبارزات دانشجویی بود و بالآخره شعار "توب تانک می‌سلسل دیگر اثر ندارد" و "توب تانک بسیجی دیگر اثر ندارد"، ضمن آنکه برناکارا شدن و بی اثر بودن سیاست سرکوب رژیم دلالت میکرد، شجاعت دانشجویان و اعتراض کنندگان و اراده آنها را به مبارزه علیه رژیم بیان می‌کرد و سرانجام، "شعار میکشم میکشم آنکه برادرم کشت" و "اوی به روزی که مسلح شویم" نه فقط شعارهای روزهای قیام ۲۰ سال قبل را زنده میکرد، بلکه از این امر مبارزه علیه رژیم بیان می‌کردند و سرانجام ترسیم نماید!

۷ نکته دوم، تداوم و پیگیری مبارزات اعتراضی دانشجویان و ارتقا این مبارزات است. اعتراض و راه پیمانی از آرام دانشجویان در خیابان کارگر شمالي پیش‌گشته شب ۱۸ تیرو سپس تحسن آنان در کوی دانشگاه، بسرعت مرزهای دانشگاه و کوی آن را شکست و خود را به خیابان‌ها کشاند. با خروج دانشجویان از دانشگاه و کوی امیر آباد و کشیده شدن تظاهرات و اعتراضات به خیابان‌ها که برغم منع شدن آن، پنج روز هم ادامه یافت و پیوستن سایر جوانان و اقشاری از مردم به صفوف تظاهرکنندگان رانیزد رهی داشت، جنبش دانشجویی کام بسیار مهم دیگری به جلو و به سمت توده‌ای شدن و یا جوش خوردن با جنبش توده‌ای برداشت.

۸ گرچه مبارزات دانشجویی دریکی دو سال گذشته نیز گاه‌آشکال همراه آمیزی هم بخود گرفته و بدیرگردی و زد خورده میان دانشجویان و نیروهای سرکوب و مزدوران حکومتی مستقر در دانشگاه‌ها نیز آنچه میدیده است، اما اقدامات اعتراضی دانشجویان و سایر تظاهر کنندگان و آتش زدن و سائل نقلیه نیروهای سرکوب و پیغام اوران که ختم اعتراضات بود، اعتنای نکردند و آنها را مورد تحقیر هم روحانیون این بار نزدیک شدند. پیغام اوران که مجمع روحانیون بتفع منافع این جناح بهره بود جلوتر بود. در جریان مبارزه دانشجویان و بسیار مهم این جناح‌های حکومتی و سایر جریانات پورژوایی برای نقیح حرکت اعتراضی رادیکال معتبرضیین و در اساس برابر سرکوب آنها، از آتش سوزی فلان مغازه و اماکن عمومی سخن گفتند و روی آن تبلیغات زیانی انجام دادند، اما این اتهامات دروغ هایی بیش نبود. البته در یک چنین تظاهرات و اقدامات اعتراضی وسیع و گستردگی، همیشه احتمال خرابکاری و احتمال اینکه خودریز و عمل آن بخواهد با یکرشته اقدامات خرابکارانه، جنبش اعتراضی رادیکال کند و به آن صدمه بزنند و وجود دارد، اما این تلاش ها در اساس مشخصاً برای مذموم جلوه دادن رادیکالیزه شدن جنبش دانشجویی و سرکوب مردم صورت می‌گیرد. مردم و دانشجویان بانک‌ها و موسسات دولتی را می‌شناسند. آنها وسائل نقلیه سپاه و ارتش را می‌شناسند، این شیوه حرکت، برای مردم پیش رفتند که در برای جنبش رادیکال دانشجویی علناً به صفت شدند. بدین ترتیب جنبش رادیکال و جادکردن صفت دانشجویی با پیش سرگذاشت اینها و جادکردن صفت خود از صفت تمام و استثنانی بود. مردم نه فقط در زمان شاه چنین شکل مبارزه ای را بکار بسته اند و آن را خوب می‌شناسند، بلکه در همین جمهوری اسلامی نیز در اعتراضات و شورش‌های مکرر شهری خود بارها و

خود را بطور مکتوب ارائه کند. پلاکفرم پیشنهادی ما هم با توجه به ترکیب نیروهای این اتحاد، همانطور که میدانید، اساساً شامل یک رشته مطالبات دمکراتیک و به شرح زیر بود.

"ما برمبنای پلاکفرم زیر به توافق برای اتحاد عمل مشترک دست یافته ایم

۱\_ سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

۲\_ حق رای همکنی، برابر، مستقیم و مخفی برای تمام افراد زن و مرد

۳\_ تامین آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم به کاملترین شکل آن

۴\_ جدائی کامل دستگاه دولت از مذهب و مدارس از مذهب

۵\_ لغو هرگونه تعییض برپایه جنسیت و برشورداری زنان از حقوق کامل

اجتماعی و سیاسی برابر با مردان

۶\_ حق تعیین سرنوشت تا سرحد جدائی و تشکیل دولتها مستقل برای

کلیه ملل ساکن ایران

۷\_ آموزش رایگان و احباری و بهداشت و درمان رایگان

۸\_ ۴۰ ساعت کارو دو روز تعطیل پی در پی در هفته ، یک ماه مرخصی

سالانه با پرداخت حقوق کامل

۹\_ آزادی اتحادیه های کارگری و حق اعتراض

۱۰\_ افزایش پایه دستمزد کارگران متناسب با سطح هزینه ها و برشورداری

کارگران از یک بیمه اجتماعی کامل

۱۱\_ لغو هرگونه مالیات غیر مستقیم و برقراری مالیات تصاعدی برثروت،

درآمد و ارث

۱۲\_ ملی کردن کلیه سرمایه های بزرگ

۱۳\_ الغاء کلیه قرار دادهای اسارتیار امپریالیستی و افشل مفاد آنها برای

آگاهی عموم خلق

۱۴\_ حمایت و پشتیبانی از جنبش انقلابی طبقه کارگر و جنبشیان انقلابی -

demکراتیک ضد امپریالیست در سراسر جهان"

پلاکفرمی از این سوی سایرین مطرح می شد، اساساً در چارچوب همان

پلاکفرمی است که نهایتاً "مورد توافق آنها نیز قرار گرفته است این پلاکفرمها

اساساً" منتظر بر استقرار یک نظام جمهوری بعد از سرنگونی جمهوری

اسلامی بود، این فرمول بنده از نظرها وارد شدن به عرصه مضمون دولت

آلترناتیو و جایگزینی یک دولت و نظام بورژوازی بجای جمهوری اسلامی

بود. موضوعی که از ریشه با دولت الترناتیو مورد نظر ما و حکومت

شورایی متفاوت و متضاد بود و هست و بدیهی بود که نمی توانست مورد

مخالفت ما باشد. معهذا برای اینکه این اتحاد عمل از هم نپاشد، ما پیشنهاد

کرده بودیم که توانیم روی پلاکفرم جدیدی توافق داشته باشیم، بر

مبانی مفهان توافقات اولیه قبلی که مورد تصویب و قبول جمع بوده است

حرکت های مشترک ادامه یابد. ما همچنین پیشنهاد کردیم به عرصه دولت

آلترناتیو که می دانستیم در این زمینه اختلافات فاحشی میان ما هست و

چشم انداز توافق روی آن نیست، وارد نشیم، در عین حال در تکمیل مواد

۱۴ کانه پلاکفرمی که میتوانست مورد توافق سایرین باشد، مطالبات دیگری

را نیز مطرح کرده و چنین توضیح دادیم.

"توضیح - چنانچه قرار باشد مسئله آلترناتیو حکومتی مطرح گردد، ما

پلاکفرم دیگری ارائه می دهیم که علاوه بر مطالبات فوق، مطالبات زیر را

نیز شامل می شود.

۱\_ درهم شکستن تمام دستگاه دولتی موجود و انحلال تمام ارگان های

نظاری و بورژوازیک آن

۲\_ اعمال حاکمیت توده ها از طریق سوراهای نمایندگان کارگران، دهقانان و دیگر اقوشار

۳\_ کنگره سراسری شوراهای نمایندگان ارگان های حکومتی

۴\_ انتخابی و قابل عزل بودن کلیه نمایندگان و مقامات دولتی

۵\_ حقوق هیچیک از مقامات و صاحب منصبان دولتی نباید بیش از متوسط

دستمزد یک کارکرده باشد

۶\_ کنترل شوراهای کارگران بر تولید و کنترل توده ای بر توزیع

۷\_ الغای اسرار باز رگانی

۸\_ ملی کردن زمین

۹\_ برافتادن رسم دیپلماسی سری و آگاهی عموم مردم از تمام مباحثات و

عقد پیمانها با دولت های دیگر"

با اینهمه آنها در نهایت روی پلاکفرمی توافق کردند که بند دوم آن استقرار

یک نظام جمهوری یعنی یک جمهوری بورژوازی بود و پیشنهاد ما مبنی بر

خودداری از ذکر مواردی که روی آن اختلاف هست و حذف این بند نیز

مورد موافقت قرار نگرفت . ما در این زمینه حتی قرارهای پیشنهادی بر

تاكید بر نقاط اشتراك بجاي موارد مورد اختلاف را نيز يادآوري کردیم، اما

این قرارها نیز عملاً "زیر پا گذاشته شد و بآن توجهی نشد. آنان بر، اوردن

جمهوری و استقرار نظام جمهوری بعد از سرنگونی رژیم جمهوری اصرار داشتند و

آنها که توافق عمومی حاصل نشد، قرار شد هرجریانی پلاکفرم پیشنهادی

## پیامون اتحاد عمل ها

گفتگو با رفیق الف\_ جواد زاده، یکی از اعضاء کمیته اجرائی سازمان

س : اخیراً بعضی از اعضاء سازمان راه کارگر و اتحاد فدائیان خلق ایران در مصاحبه هایی که انجام داده اند، نسبت به عدم شرکت سازمان در تشکیل بنام "کمیته اتحاد عمل برای دمکراسی" نیز صحبت هایی مطرح کرده اند در چارچوب همین سوال کلی و اینکه چرا مادران این "اتحاد" شرکت نکردیم تعدادی سوال هست که مطرح می کنیم، اما مقدمتاً به گذشته و سابقه این اتحاد عمل بر میگردیم. سوال نخست اینست که مبنای اتحاد عمل سازمان باسه جریان راه کارگر، اتحاد فدائیان و حزب دمکرات، در گذشته چه بود و حرکت ها و موضع گیریها برچه مبنای صورت می گرفت.

ج : سابقه اتحاد عمل ما با جریاناتی که شما از آن نام بردید، به حدود ۶ سال قبل بر می گردد . مبنای اتحاد عمل ما در گذشته، یک رشته توافقات عمومی با این جریانات بود . این توافقات البته بعد از یکرشته بحث ها و تبادل نظرها در جلسات مشترک چهارجانبه بدست آمده بود . تمامی طرفها در آغاز شرط و توافق کرده بودیم که اساساً" روی نقاط اشتراک مکث و تاکید کنیم و ارد بحثها و مسائلی که می دانستیم روی آن اختلاف داریم نشویم، از همین رو پلاکفرم اولیه، یک پلاکفرم کلی، مشتمل بر پنج بند بود که در بند اول آن بزمیاره برابر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تاکید شده بود، در بندهای دوم و سوم ، دفاع از آزادیهای سیاسی و به رسیدت شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت خود آمده بود و در بندهای چهارم و پنجم به ترتیب بر اعتقاد به جدائی کامل دین از دولت و لغو هرگونه تعیین جنسی و نیز مبارزه برای تامین برابری حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه ها، تاکید شده بود. این ها، مبنای اتحاد عمل چهارجریان بود که ما هم برهمین مبنای تا مدت‌ها حرکتهای مشترکی داشتیم و با صدور اطلاعیه های مشترک، نسبت به مسائل و رویدادهای روز نیز موضع گیری میگردیم.

س : اگر توافق عمومی برای حرکت مشترک، تکیه بر نقاط مشترک بود ونه اختلافات، توضیح دهید که این روال تا کی ادامه یافته و چرا و چگونه متوجه شد؟ اختلاف سازمان ما با پلاکفرمی که توسط اکثریت پذیرفته شد چه بود؟

ج : وجود توافقات فیما بین البته بمعنی عدم وجود و یا عدم بروز اختلاف برسر موضع گیریها بوجود می آمد. اما این مشکلات و موانع اولاً"برحسب دیدگاه های متفاوت موجود در این اتحاد عمل، بدیهی و ناگزیر بود و مهمتر از آن، با مراجعه به همان مبنای کلی و خصوصاً" با تاکید روی اشتراکات، برطرف میشد و اگر اختلافی بروز میکرد، بعد از گفتگو و تبادل نظر، توافق حاصل می شد و در هر حال اتحاد عمل چهارجریان را مختلف نمی کرد. اما وقتی که صحبت از تهیه و تنظیم پلاکفرم جدیدی به میان آمد که برآن آمد سایر جریان ها نیز در صورت اعتقاد و پذیرش آن بتوانند وارد اتحاد عمل گردند، اختلافاتی برسر برخی بندها و اصطلاحات و مفاهیم آن بروز نمود.قطع نظر ازموارد جزئی و کم اهمیت تر، دو تا بحث اصلی مطرح می شد که ما روی آن موضع داشتیم. او لا" تلقی ما از خود این اتحاد عمل، برخلاف آنچه که مطرح میشد و بعدها در پلاکفرم نهایی مورد توافق سه جریان نیز انعکاس یافت، یک اتحاد عمل پایدار نبود. ما درک خود از یک اتحاد عمل پایدار سیاسی را در همان نخستین جلسات مشترک چهارجریان را داشتیم. این اتحاد عمل مورد بحث بود، مطرح کرده بودیم. مبنای اتحاد عمل پایدار سیاسی از نظرما پلاکفرمی بوده است که جوهر آن را سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، درهم شکستن ماشین دولتی و استقرار دولتی از طرز نوین تشکیل شکل میگردید، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه بطور اشکاری این موضع را زیر هم می گرفت. بهر صورت بحث های شفاهی و اولیه بر سر تنظیم یک پلاکفرم مشترک جدید به تبراست بگوییم شکل بگیرد، می تواند اتحاد عمل پایدار باشد. و اما موضع دومی که شدیداً نسبت به آن موضع داشتیم و داریم، بحث استقرار نظام جمهوری پارلمانی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی است. این بحث ما که به غیر از ما، سایر طرفها روی آن ولو تحت عنوان تاکید بر شکل حکومت و مرزبندی با سلطنت و امثال آن، توافق داشتند، نه فقط ذرہ ای با موضع ما هم خوانی نداشت، بلکه ب

## تاریخ مختصر جنبش بین المللی کارگری (۴۰)

### فروپاشی انترباسیونال دوم و تلاش چپ برای ایجاد انترباسیونال جدید

آنها، این کنفرانس در فاصله ۲۶ تا ۲۸ مارس ۱۹۱۵ مخفیانه در برن برگزار شد. ۲۹ نماینده از کشورهای آلمان، فرانسه، انگلیس، روسیه، هلند، ایتالیا و لهستان در این کنفرانس شرکت داشتند. بحث عمده کنفرانس زنان سوسیالیست در مورد مساله جنگ و تاکتیک در قبال آن بود. برغم اینکه در این کنفرانس قطعنامه‌زنان بلشویک تصویب نشد، اما تا حدودی موضع آن در مانیفیستی که به تصویب رسید، در نظر گرفته شد. در این مانیفیست که خطاب به زنان کارگر، انتشار یافت، ماهیت ارجاعی جنگ و فجایع ناشی از آن توضیح داده بود. مانیفیست این واقعیت را آشکار می‌ساخت که جنگ را سرمایه داران برآورده‌اند و از آن منتفع می‌شوند. مانیفیست، سیاست‌های سوسیال شوونیستی را محکوم و ماهیت "صلاح مدنی" را بر ملا میکرد. سرانجام از زنان کارگر می‌خواست که مبارزه خود را برای صلح تشدید کنند.<sup>(۱۵)</sup> بلشویک‌ها هم چنین در کنفرانس بین المللی علیه تعارض امپریالیسم که به ایتکار اتحادیه جوانان سوسیالیست سوئیس و حمایت جوانان سوسیالیست ایتالیا و منطقه اشتوتگارت، در فاصله ۷-۵ اوریل ۱۹۱۵ تشکیل گردید، نقشی فعل داشتند. این کنفرانس نیز برغم مخالفت رهبران سازمانهای جوانان وابسته به احزاب اپورتونیست و بورژوی رسمی انترباسیونال جوانان سوسیالیست، برگزار شد. ۱۴ نماینده از بلژیک، دانمارک، آلمان، ایتالیا، روسیه، سوئیس، سوئد و نروژ در این اجلاس حضور یافتند. کنفرانس قطعنامه ای در مورد "جنگ و ظایف سازمانهای جوانان سوسیالیست" تصویب نمود. در این قطعنامه کفته شده بود که "جنگ کنونی از سیاست امپریالیستی طبقات حاکمه تمام کشوهای سرمایه داری ناشی می‌شود. این جنگ، مقایر منافع طبقه کارگر است و مانع فعالیت آن علیه استثمار بین المللی می‌گردد. جنگ به سازمانهای طبقه کارگر آسیب‌میرساند، و اثری آن را هدر میدهد." در این قطعنامه همچنین گفته شده بود، سیاست "صلاح مدنی" معنای دیگری جز صلح و سازش طبقاتی و کاره گردی سوسیال دمکراتیک از آن، اینها یکانه مضمون و محتوای واقعی جنگ اند.

#### کنفرانس‌های زیمروالد و کیتال

در همین حال، حزب سوسیالیست ایتالیا با مشورت سوسیالیست‌های سوئیس، تلاشی را آغاز نمود که باریگر احزاب سوسیالیست را در یک اجلاس بین المللی دورهم گردآورد. نماینده ای به فرانسه و انگلیس فرستاده شد تا رهبران احزاب رسمی باصطلاح سوسیالیست آنها را متقاعد سازند، در یک کنفرانس بین المللی که سران حزب سوسیال دمکرات آلمان نیز حضور خواهند یافت، شرکت کنند. آنها این پیشنهاد را رد کردند. اما جریانات اپوزیسیون مخالف مش رسمی این احزاب، موافقت خود را با شرکت در این اجلاس اعلام نمودند. پس از این مرحله، کمیته اجرائی حزب سوسیالیست ایتالیا در ۱۹۱۵ مه تصمیم گرفت، که این کنفرانس بین المللی را برگزار کند. سوسیالیست‌های سوئیس وظیفه اجرائی تشکیل اجلاس را بر عهده گرفتند. دعوت نامه‌هایی برای رهبران و ارکانهای خوبی فرستاده شد که در انترباسیونال دوم چایکا می‌دانند. این نحوه فراخوان باعث شد که در انترباسیونال چایکا که در این کنفرانس بین المللی را برگزار کردند، نهاده ای از جریانات چپی که در انترباسیونال دوم چایکا رسمی نداشتند، از حضور در این اجلاس محروم شوند، لذا برغم این که جریان راست و بخشی از مرکز در این کنفرانس شرکت نکرده بودند، بازهم، جریان "مرکز" مسلط بود.

در جریان کنفرانس زیمروالد، تلاش بلشویک‌ها متعدد ساختن، جریان چپ حول یک بیانیه‌مشترک بود. روز قبل از تشکیل کنفرانس، اینماینده چپ، در یک اجلاس جداگانه، مساله جنگ و موضع مشترک در کنفرانس را مورد بحث قرار دادند. در واقع، در همین اجلاس ۴ سپتامبر است که چپ زیمروالد به عنوان یک جریان پیش رو انترباسیونال سوم شکل می‌گردید.

روز ۵ سپتامبر ۱۹۱۵ در ۴۲ نماینده در زیمروالد، شهرک نزدیک برن سوئیس تشکیل جلسه دادند. در این اجلاس ۱۰ نماینده از آلمان حضور داشتند که ۷ نفر آنها را جریان "مرکز" و ۲ نفر دیگر نماینده اسپارتاکیستها و جریان چپی از چپ بودند. باقیمانده نماینده‌گان از کشورهای روسیه، فرانسه، ایتالیا، رومانی، لهستان، لتونی، بلغارستان، سوئیس، نروژ و هلند در این اجلاس حضور یافته بودند.<sup>(۱۶)</sup>

کنفرانس با گزارش را برگیری کریم به نماینده از حزب سوسیالیست ایتالیا کار خود را آغاز نمود. وی در گزارش خود اشاره کرد که در صفحه ۶

فرورفتند اغلب احزاب سوسیال دمکرات به منجلاب سوسیال\_شوونیسم و فروپاشی انترباسیونال دوم لطمات بسیار سنگینی به جنبش بین المللی طبقه کارگر وارد آورد. چرا که این احزاب عموماً از پایکاه وسیع توده ای برخوردار بودند و در اتحادیه‌های کارگری نیز نفوذ قابل ملاحظه ای داشتند. اما جناح چپ انقلابی در آن مقطع هنوز ضعیف بود و علاوه براین از جهت نظری انسجام لازم را نداشت. تنها در این میان حزب بلشویک به رهبری لینین دارای برنامه، سیاست و تاکتیک‌های منسجم و کامل انقلابی بود. بهمخصوص آغاز جنگ و فروپاشی انترباسیونال دوم، لینین بدمیتای خط مشی انقلابی بشویسیم، تزهای خود را در مورد وظایف سوسیال دمکراتی انتقلابی در قبال جنگ جهانی اراده داد که شالوده خط مشی مارکسیست‌های انتقلابی شد. در این تزها که نخست به عنوان "قطعنامه گروهی از سوسیال دمکراتها در مورد وظایف سوسیال دمکراتی انتقلابی در جنگ اروپائی" انتشار یافت، لینین با ارزیابی جنگ اروپائی به عنوان جنگی امپریالیستی با اهداف توسعه طلبانه برازه کسب بازارهای جدید و استثمار و اقیاد ملتها عقب مانده، ماهیت ارجاعی آن را بر ملا کرد. علی‌اپورتونیسم و فروپاشی انترباسیونال دوم را تحلیل نمود. گستاخ قطعی از اپورتونیسم، پاساری از انترباسیونال پرولتاریسم پرولتاری و ضرورت پرایانی انتقلاب سوسیالیستی را مورد تاکید قرار داد و شکست دولتها خودی در جنگ و تبدیل جنگ به جنگ داخلی را به عنوان شعارهای مشخص آن مقطع مطرح ساخت. در این تزها آمده بود: "جنگ اروپائی و جهانی، آشکارا خاصلت یک جنگ بورژوا و امپریالیستی و دودمانی را نشان داده است. مبارزه برای کسب بازارهای خارجی، تلاش بردن کشورهای خارجی، پیش برای سرکوب جنبش انتقلابی پرولتاری و دمکراتی در هر کشور، تلاش برای فریب دادن، پراکنده ساختن و کشتار پرولتارهای تمام کشورها از طریق رو در رو قرار دادن کارگران یک ملت علیه ملت دیگر به منظور متفق شدن بورژوازی از آن، اینها یکانه مضمون و محتوای واقعی جنگ اند." در این تزها، رفتار رهبران حزب سوسیال دمکرات‌های انترباسیونال که "به اعتبارات جنگی رای دادند و به تکرار عبارات بورژوا\_شوونیستی بورژوازی و یونکرهای پروسی پرداختند، خیانت مغض به سوسیالیستی" توصیف گردید. ایضاً "اقدام رهبران حزب سوسیال دمکرات بلژیک و فرانسه که با وارد شدن به کابینه‌های بورژوازی به سوسیالیست خیانت" کردند، مورد سرزنش قرار گرفت.

تزها سپس علی‌اپورتونی انترباسیونال را توضیح میداد: "خیانت اغلب رهبران انترباسیونال دوم (۱۹۱۴) به سوسیالیست به معنای پرشکستگی ایدئولوژیک و سیاسی انترباسیونال است. علت این فروپاشی عدالت غایب واقعی اپورتونیسم خود را بورژوازی است که بهترین نماینده‌گان پرولتارهای انتقلابی تمام کشورها، ماهیت بورژوازی و خطرات آنرا از مدت‌ها پیش خاطر نشان ساخته بودند. اپورتونیست‌ها از سالها پیش با انکار انتقلاب سوسیالیستی و جایگزین کردن آن با رفرمیسم بورژوازی، رد مبارزه طبقاتی و تبدیل اجتناب ناپذیر آن در لحظه ای معین به جنگ داخلی، موقعه همکاری طبقاتی و موقعه شوونیسم زیر پوشش وطن پرستی و دفاع از میهن، نادیده گفتن یا نفی این حقیقت اساسی سوسیالیست علمی که سالها پیش در "مایفیست کمو نیست" مطرح گردید، مبنی براین که کارگران میهن ندارند. محدود ساختن مبارزه علیه میلیتاریسم به نقطه نظرهای کوتاه بینانه احساساتی به جای به رسمیت شناختن ضرورت جنگ انتقلابی توسط پرولتارهای تمام کشورها علیه بورژوازی همه کشورها، بت ساختن از ضرورت استفاده از پارلماناتریسم بورژوازی و قانونیت بورژوازی، و فراموش کردن این امر که اشکال غیر قانونی تشکیلات و تبلیغ به هنگام بحران‌ها ضروری و اجتناب ناپذیرند، درهم شکستن انترباسیونال دوم را تدارک دیده بودند. . . جریان باصطلاح مرکز آلمان و یا دیگر احزاب سوسیال دمکرات، در حقیقت امر، جبوانه تسلیم اپورتونیست‌ها شده‌اند. وظیفه انترباسیونال آینده است که مصممانه و قاطعانه خود را از شر این جریان بورژوازی در سوسیالیستی خلاص کند." در پایان این تزها که سپس به صورت یک قطعنامه درآمد، شعارهای مشخص سوسیال دمکراتی انتقلابی اراده شده بود. لینین با رایه این تزها کوشید، جناح چپ جنبش کارگری را به یک دیگر نزدیک و برای یک مبارزه انتقلابی متحده سازد. لذا بلشویک‌ها کوشیدند با سازماندهی اجلاس‌های بین المللی، جناح چپ جنبش سوسیالیستی را متحده سازند. نخستین اقدام از سوی زنان سوسیالیست بلشویک انجام گرفت. آنها در نوامبر ۱۹۱۴ بالراسلاندامهای به کلارا زتکین، دبیر بورژوا بین المللی زنان سوسیالیست انترباسیونال، خواهان تشکیل یک کنفرانس بین المللی از زنان سوسیالیست جناح چپ شدند. برغم مخالفت سوسیال\_شوونیست‌ها و تلاش خرابکارانه

جنگ ارائه نمیدهد. ما از آن رو به مانیفست رای دادیم که آن را فراخوان به مبارزه می بینیم و باین علت که مامیخواهیم دراین مبارزه با دیگر بخش های انترناسیونال متحدا پیش رویم . کنفرانس زیمروالد با تشکیل یک کمیته به کار خود پایان داد.

پس از تشکیل کنفرانس زیمروالد، جناح راست و بوروی بین الملل سوسیالیست، آن را مورد حمله قرار دادند. مطبوعات جناح راست، تشکیل این کنفرانس را محکوم کردند. در برابر این حملات، کمیته بین الملل سوسیالیست که توسط کنفرانس زیمروالد تشکیل شده بود، موضوعی ضعیف و سانترنیستی اختازنود. در بیانیه ای که در پاسخ به این حملات انتشار داد آن جمله گفت: این کمیته خصلت موقت دارد و به محض این که بوروی بین الملل سوسیالیست بر طبق مصوبات کنگره های اشتوتگارت، کپنهاگ و بال علیه جنگ مبارزه کند، منحل خواهد شد. در حالی که کنفرانس زیمروالد چنین مصوبه ای نداشت. این یک موضوع گیری خودسرانه بود که در واقع موضع جریان "مرکز" را اعلام میکرد. کمیته بین الملل سوسیالیست در نشست فوریه ۱۹۱۶ خود تصمیم گرفت که یک کنفرانس بین المللی جدید در ماه اوریل برگزار کند. از جمله پیشنهاداتی که برای بحث در این کنفرانس ارائه شد، قطعنامه کمیته مرکزی حزب بلشویک بود که ضمن انتقاد به موضع گیری در مورد اتحاد کمیته بین الملل سوسیالیست، خواهان گستاخی قطعی از لیورتونیستها شده بود. این قطعنامه میگفت که سوسیال-شونینستها و کائوتسکیستها تمام کشورها وظیفه بوروی بین الملل سوسیالیست و روشکسته را در برابر خود قرار داده اند، وظیفه سوسیالیستهاست که اجتناب ناپذیری گستسب قطعی از آنهایی که زیر پرچم سوسیالیسم، سیاست بورویانی را دنبال میکنند، توضیح دهند.

دو مین کنفرانس زیمروالد ۲۴ تا ۳۰ آوریل ۱۹۱۶ در کیتالنیزدیک برن در سوئیس تشکیل شد. ۴۳ نماینده از کشورهای مختلف در آن حضور یافتند. در این کنفرانس قدرت چپ اندکی بیشتر شده بود. چپ های زیمروالد در این کنفرانس نیز قطعنامه با عنوان "سوسیال دمکراسی و مسالمه صلح ارائه دادند. در این قطعنامه با ذکر این نکته که صلح دستگاه امپریالیست، توافقی موقت برای تقسیم سرزمین هاست که خطر جنگ های جدیدی را در پی خواهد داشت، سراب صلح دمکراتیک اپورتونیستها و سوسیال پاسیفیستها، که گویا ایالات متحده اروپا، دادگاههای حل اختلاف اجباری، خلع سلاح، دیپلماسی دمکراتیزه شده وغیره را به بار خواهد آورد، افسا شده بود و گفته میشد که تمام این ادعاهای فریب مردم و کتمان واقعیت ظالمانه سیاستهای جهانی منجر خواهد شد. قطعنامه چپ نتیجه میگرفت که تنها برنامه صلح سوسیال دمکراسی، سازماندهی مبارزه پرولتاریای بین المللی علیه سرمایه داری است. در آن بارگیری از موضع چپ نیز کجانده شده بود.

در قطعنامه مصوب کنفرانس کنیتال، اعلام شد که حصول به یک صلح پایدار با سوسیالیسم امکان پذیر است. سوسیالیسم با الغا مالکیت خصوصی، رفع ستم ملی و برآنداختن استثمار توده ها علی جنگ را بر می اندازد. بنابراین مبارزه برای یک صلح پایدار، تنهایی تواند مبارزه برای تحقق سوسیالیسم باشد. سرانجام این که قطعنامه نتیجه میگرفت که پرولتاریا باید خواهان مبارزه کفایه ای را داشته باشد. آنچه که به تصویب رسید، قطعنامه جریان موسوم به سانتریست بود که در آن بارگیری از موضع چپ نیز کجانده شده بود.

در قطعنامه مصوب کنفرانس کنیتال، اعلام شد که حصول به یک صلح پایدار با سوسیالیسم امکان پذیر است. سوسیالیسم با الغا مالکیت خصوصی، رفع ستم ملی و برآنداختن استثمار توده ها علی جنگ را بر می اندازد. بنابراین مبارزه برای یک صلح پایدار، تنهایی تواند مبارزه برای تحقق سوسیالیسم باشد. سرانجام این که قطعنامه نتیجه میگرفت که پرولتاریا باید خواهان مبارزه کفایه ای را داشته باشد. آنچه که به تصویب رسید، قطعنامه جریان موسوم به سانتریست بود که در آن بارگیری از موضع چپ نیز کجانده شده بود.

کنفرانس کنیتال در مورد ایجاد انترناسیونال جدید یا احیا انترناسیونال

کهنه و فروپاشیده بود. چپ های زیمروالد از جمله اسپارتاكیست ها

و بلشویک ها قطعنامه ای ارائه دادند برای ایجاد یک انترناسیونال

جدید که از هر گونه اپورتونیسم و سوسیال-شونینیسم تصفیه شده باشد. جریان مرکز زیمروالد هیچگی را نیاوردن. در دور

بعد، قطعنامه ای تصویب شد که موضوعی بین مرکز و چپ داشت.

کنفرانس کنیتال در ۳۰ آوریل به کار خود پایان داد.

## (ادامه دارد)

منابع :

- ۱۴، کلیات آثار لنین، جلد ۲۱  
 ۱۵، مبارزه لنین برای یک انترناسیونال انقلابی، اسناد ۱۶\_۱۶  
 ۱۶، مبارزه لنین برای یک انترناسیونال انقلابی، اسناد ۱۶\_۱۷  
 ۱۷، مبارزه لنین برای یک انترناسیونال انقلابی، اسناد ۱۶\_۱۷  
 ۱۸، مبارزه لنین برای یک انترناسیونال انقلابی، اسناد ۱۶\_۱۹

پی جنگ، مناسبات بین المللی که پرولتاریا را متعدد میسازد، از هم گسیخته است، اما علت این از هم گسیختگی صرفاً جنگ نبوده است، بلکه دراین بود که احزاب سوسیالیست و سازمانهای کارگری کشورهای مختلف نه تنها اصول مبارزه طبقاتی بلکه همچنین انترناسیونالیسم را کنار نهادند. آنها امروز بر طبل ناسیونالیسم می کوبند. مطبوعات این احزاب نه تنها از سیاستهای جنگ طبلانه طبقه حاکم حمایت کردند بلکه حتی در برخی موارد، از اهداف آنها در مورد تسخیر سرزمین های دیگر هم دفاع کردند. آنها به جای همبستگی بین المللی پرولتاری، همبستگی طبقه کارگر با ملت را قرار دادند. (۲۸)

در جریان بحث کنفرانس، چپ های زیمروالد قطعنامه خود را در مرور جنگ جهانی و وظائف سوسیال دمکراسی برای تصویب ارائه دادند. این قطعنامه که توسط راک و لنین تدوین شده بود، ماهیت امپریالیستی جنگرا توضیح میداد و براین نکته تاکیدداشت که تنها با الغا تضادهای برخاسته از امپریالیسم، از طریق تجدید سازمان سوسیالیستی کشورهای سرمایه داری میتوان برآمد پر ایام و جنگ فائق آمد. قطعنامه چپ سرمایه داری میگفت که با آغاز جنگ آنها به موضع سوسیال پارتوییسم و سوسیال امپریالیسم در غلط طبیعه اند. لذا مبارزه بیرون از این موضع اولین شرط تجهیز پرولتاریا و احیا انترناسیونال است. سپس می افزود، پیش شرط مبارزه علیه جنگ جهانی، رد اعتبارات جنگی، استتفا از کابینه ها، افشا خصلت سرمایه داری و ضد سوسیالیستی جنگ از تربیون پارلمان و صفحات نشریات قانونی و غیر قانونی و مبارزه بیرون از این موضع ایجاد شده بود. پارتوییسم است. سازماندهی میتواند از خیابانی ضد دولتی، تبلیغ به نفع همبستگی بین المللی در جبهه ها، ارتقا مبارزات و اعتراضات اقتصادی به اعتصاب سیاسی، از دیگر نکاتی بود که در قطعنامه چپ های زیمروالد برآن تاکید شده بود.

قطعنامه ضمن تاکید بر این واقعیت که تنها انقلاب اجتماعی میتواند به صلاح پایدار رهایی بشیرین احمد، بهاین نتیجه گیری میانجامید، که شعار مانه "صلح داخلی" یا "جنگ داخلی" است.

این قطعنامه خشم جریان موسوم به مرکز را برانگیخت، آنها تهدید نمودند که چنانچه این قطعنامه بخواهد تصویب شود، جلسه را ترک شرکت کنندگان را جریان مرکز تشکیل میدارند. پساز یکرشته بحث ها، آنچه که به تصویب رسید، مانیفست زیمروالد بود. مانیفست زیمروالد آنچه را ثمره سودپرستانه خود میدانست. توضیح میداد که قدرتنهای بزرگ جهان ملتهای از نظر اقتصادی عقب مانده یا از نظر سیاسی ضعیف را تحت انتقاد درمی آورند و می کوشند نقشه جهان را با خون و آهن تغییر دهند.

در بخشی از مانیفست گفته میشد سرمایه داران "میگویند که جنگ بخارط دفاع از میهمان، به خاطر دمکراسی و رهایی ملتهای ستمدیده است. آنها دروغ میگویند." سپس می افزود "جنگ چهره عریان میاد و نیازهای تکامل تاریخی بلکه با شرایط بنیادی وجود اجتماعی انسان، آشتی ناپذیراست، نشان داده است." مانیفست، سران احزاب سوسیالیست را که به تمهدات خود در زمینه اجرای مصوبات کنگره های بین المللی عمل نکردند، موردانتقاد قرار میداد و میگفت آنها از طبقه کارگر خواستند که مبارزه طبقاتی را که تنها روش ممکن و موثر رهایی پرولتاریاست کنار بگذارند. به اعتبارات رای دادند تا طبقات حاکم به جنگ دامن بزنند. آنها خودشان را برای انجام متنوع ترین خدمات در اختیار دولتها قرار دادند. آنها به حکومت های خود وزرای سوسیالیست تحويل داده اند که گروگان حفظ "صلح مدنی" هستند. مانیفست کنفرانس زیمروالد چنین پایان می یافت: "دراین وضعیت دشوار، ما نمایندگان احزاب سوسیالیست، اتحادیه های کارگری، یا اقلیت های این سازمانها، . . . ما که نه بر مبنای همبستگی بین المللی با طبقه استثمارگر بلکه برمبنای همبستگی بین المللی پرولتاریا و مبارزه طبقاتی، موضع مان را استوار ساخته ایم، جمع شدید تا رشته های گستته مناسبات بین المللی را از نو بهم پیوند دهیم و از طبقه کارگر بخواهیم، به خود آید و برای صلح مبارزه کنند. این مبارزه، مبارزه ای برای آزادی، برای رفع اختلافات خلق ها و برای سوسیالیسم است." (۱۹) مانیفست زیمروالد ماهیت امپریالیسم و جنگ را به درستی توضیح داد و در مجموع یک کام به پیش در جهت گسته از اپورتونیسم و شوونیسم بود، معهذا ناپیکری خود را در آنچه ای نشان میداد که یک نتیجه گیری انقلابی برای سرنگونی نظام سرمایه داری نداشت و اپورتونیسم جناح مرکز را مورد حمله قرار نمیداد. چپ های زیمروالد با این شرط به همراه آن منتشر شود. بیانیه عدم رضایت اینها از این مصوبه نیز به همراه آن منتشر شود. بیانیه چپ زیمروالد توضیح میدارد که مانیفست اپورتونیسمی از اپورتونیسم، خواه اپورتونیسم آشکار و یا اپورتونیسمی که خود را در پشت عبارت پردازی های رادیکال مخفی میسازد، ارائه نمیدهد. بیانیه همچنین میگفت که مانیفست زیمروالد هیچگونه توضیح مشخص و روشنی از روش مبارزه علیه

**ستون مباحثات**

- کنفرانس ششم سازمان ما تصویب نمود که یک ستون در نشریه کار به ابراز نظرات مدافعین سوسیالیسم و حکومت شورائی اختصاص باید.
- مسائل مطرح شده در این ستون نظر شخصی نویسنده محسوب می‌گردد.
- هر مقاله‌ای که برای درج در این ستون ارسال می‌گردد حداقل می‌تواند حدود ۲۰۰۰ کلمه با دو صفحه نشریه کار باشد.

و نظامی کنونی و اساساً "ماشین دولتی بورژوازی" دست نخورده باقی می‌ماند تا علیه کارگران بکار گرفته شود، استقرار جمهوری کارگری قبل از هرچیز مستلزم خرد کردن همین ماشین و پایه ریزی ماشین دولتی جدیدی است که منافع کارگران را برآورده و تضمین کند. تجربه انقلابی کمونارها این نکته را ثابت کرد که بدون درهم شکستن ارگانهای بوروکراتیک نظامی، هیچ حکومت و نظامی که بتواند منصون حفظ و بقاءً منافع کارگران باشد، متصور نیست. اگرچه "کمون پاریس نخستین تلاش انقلاب پرولتیری برای خرد کردن ماشین دولتی بورژوازی بود" (۱۸)، اما این تلاش به سرانجام مطلوب نرسید. کمون ثابت کرد که "طبقه کارگر نمیتواند بطورساده ماشین حاضرآماده‌ای را تصرف نماید و آنرا برای مقاصد خویش بکاراندازد" (۱۹) بنابراین اولین نکته اساسی در سرنگونی جمهوری اسلامی و بحث حکومت جایگزین، در همین است، داغان کردن ماشین دولتی! سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری دیگری که در آن ماشین بورکراتیک و نظامی دولتی دست نخورده باقی مانده باشد، معناشیز نه فقط چشم فرو بستن بر تمامی این حقایق و تجارب تاریخی است، بلکه فراهم کردن آگاهانه زمینه ابقاءً و تولد دهها جلاد و دژخیم امثال کاونیاک و تی یر و قره نوکر بورژوا در ایران و سپردن ایزار قصابی کارگران به دست آنان است. بنابراین جمهوری داریم تا جمهوری! جمهوری باریکادها و سنتگرندیها یا جمهوری پارلمان نشینها؟ جمهوری استثمارشده‌گان و ستمکشیدگان یا جمهوری استثمارگران و ستمگران؟ جمهوری، جمهوری خشک و خالی، جمهوری خالص و بطورکلی، جمهوری پارلمانی و امثال اینها، همه و همه از یک قماش اند و جمهوری طبقات دارا و بورژواهاست. قدرت سیاسی درین جمهوری درست بورژواهاست و دستگاههای عریض و طویل بوروکراتیک — نظامی از نظم بورژواها حرast می‌کند. بنای این جمهوری بپارلمان بورژوازی، مجالس قانون گذاری بورژوازی و مجلس موسسیان است که بورژواها و طبقات دارا از طرق این ارگانها و نهادها، اراده خویش را برکارگران و زحمتکشان تحمل می‌کنند. این جمهوری‌ها، برغم آنکه ممکن است با شکل سلطنت و یا حتی جمهوری اسلامی هم تفاوت‌های داشته باشند، اما همه از یک نوع واز یک جوهrent و معطوف به پایداری تسلط طبقاتی اند. تحت لوای جمهوری و در زیر این پوشش تن نما، ماهیت اسارت بار نظامی بچشم می‌خورد که بندیادش بر اسارت اقتصادی کارگران نهاده شده است. شگفت اینکه دهها سال بعد از روشن شدن ماهیت بورژوازی این نوع جمهوری و جنایاتی که جمهوری طبلان با گرفتن جواز آن از مجلس و پارلمان جمهوری، علیه کارگران و زحمتکشان مرتكب شده اند، اکنون کسانی پیدا شده اند که عامدانه چشم خود را براین واقعیات می‌بندند و درصدان برآمده‌اند که این شکل حکومتی را که مربوط به دوره‌های گذشته و پیشین است به کارگران غالب کنند. آنان بدون توجه به تجارب تاریخی و بدون درنظر گرفتن پیکار طبقاتی، تلاش‌ها و ابتکارات کارگران در سراسر جهان به برقای این نوع دیگری از حکومت و جمهوری، و برای رهایی از قید و بندی‌های نظام بورژوازی، انکار که به نوعی کرتینیسم پارلمانی (۲۰) دچار شده باشند، دست از این اشکال کهند و در تعريف و تمجید از پارلمانتاریسم بورژوازی، برینمیدارند و با این اعتقاد و ذهنیت که گویا مسائل اساسی جامعه را جمهوری و سیستم پارلمانی حل و فصل می‌کنند، هنوز که هنوز است به عرضه این کالای بنجل مشغولند. اما از بد اقبالی مبلغین جمهوری بورژوازی، طبقه کارگر چه در مقیاس بین المللی و چه درسطح ایران، از این مراحل بسیار فراتر رفته و اشکال نوینی را برای حکومت و برای اداره امور جامعه کشف کرده است. کمی بیش از دو دهه بعد از انقلاب فوریه فرانسه، پرولتاریای پاریس که جمهوری بورژواها و تغییرات شکلی سلطه سیاسی این طبقه برای پایداری سلطه اقتصادی شان را تجربه نموده و به بی‌خون کارگران آموخته بود و آگاهی یافته بود که بدون پاره کردن زنجیرهای که اورا به اسارت اقتصادی درآورده است و بدون درهم شکستن و خرد کردن کلیه ایزارهای که سلطه طبقه بورژوا را برای تحمل می‌کند، نمی‌تواند به آزادی و رهایی برسد، این بار با عزمی راسخ تراز بیش و بیار براندازی کامل بورژوازی بی‌خاست و درسال ۱۸۷۱ اولین حکومت کارگری را مستقر ساخت. اگر "فرياد" "جمهوری اجتماعی" که پرولتاریای پاریس به آن وسیله از انقلاب فوریه استقبال کرد، تنهای

توضیح نویسنده: نوشتند زیر ادامه مقاله "جمهوری و حکایت مردگان!" است که برای درج درستون مباحثات تهیه شده است و بعلت محدودیت این ستون (دوصفه) بصورت مجزا ارائه می‌شود. این بخش از مقاله، اگرچه مستقل<sup>۱</sup> و به نحوی تنظیم و ارائه شده است تا حتی المقدور لطفه کمتری به روال پی‌گیری مطلب وارد شود، معهذا برای جلوگیری از این قضیه ورفع این مشکل، خوانندگان علاقه‌مند می‌توانند قبل از مطالعه این قسمت، بخش قبلی را نیز مرور نمایند.

**جمهوری و حکایت مردگان!****جمهوری داریم تا جمهوری!**

سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و سایر دوستان "جمهوری" طلب مکنند و خود را مارکسیست و کمونیست می‌دانند و می‌خواهند جمهوری اسلامی را سرنگون و یک جمهوری بطورکلی را مستقرسازند، قاعده‌تا این راه باید بدانند که واژه جمهوری، واژه معلم مانده ای در خل نیست و مثل هر واژه دیگری دارای یک مضمون طبقاتی است. در یک جامعه طبقاتی اصولاً همه چیز طبقاتی است. معنی آزادی، دمکراسی، عدالت، نظم، تمدن و دهها و صدها واژه و کلمه دیگر از این قبیل، در نزد طبقات استثمارگر یک چیز است و از نظرطبقه استثمار شونده چیز دیگر! زمانی مورخی بورژوا بنام تی یر (۱۱) که در سال ۷۱ ۱۸۷۰ رئیس جمهور فرانسیس بود، کمون پاریس را "توطئه‌ای علیه جمهوری" (۱۲) نامید. از نظر او کمون "جز مشتی جانی چیز دیگری نبود" (۱۳). این آقای رئیس جمهور که البته مدافع سرخست جمهوری خود و جمهوری طبقه خود بود، برای حفظ این جمهوری، به آنچنان جنایات فجیعی دست زد که لک ننگ آن تا ابد بپیشانی بورژواها و جمهوری آنها خواهد ماند. تی برای در برای کارگران و زحمتکشان پاریس که قیام کرده بودند و میخواستند نظم و عدالت خود را بپیشانی کنند میگفت "من جمهوری را واقعیتی انجام شده میدانم و سخت مصمم هست که آن را حفظ کنم!" (۱۴) همین آقای جمهوریخواه که بقول مارکس "درواقع به اسم جمهوری، مشغول خرد کردن انقلاب بود" (۱۵)، بعد از آنکه کارگران، زنان و حتی کودکان پاریسیان و بعد از آنکه زحمتکشان گزندگان پاریس را در خون خویش غرق ساخت، دستهایش را بهم سائید و چنین گفت "سرانجام نظم و عدالت و تمدن پیروز شد"! (۱۶) چنین بود و چنین است معنای نظم، عدالت و تمدن در نزد بورژواها و در جمهوری بورژواها. سرکوب سبعانه کارگران، عین تعدد و عدالت است در نزد استثمارگران. تمدن و عدالتی که "هربار که بندگان، و زجرکشان این نظام علیه اریابانشان قیام می‌کنند، در نورشرم خود ظاهرگرمی شود و در آن وقت این تعدد و عدالت صورت توحشی بی نقاب و انتقامی بی قانون دارد" (۱۷) تاریخ مبارزه طبقاتی نیزتاماً موید این مطلب و مowieid بی رحمی و درنهذه خوئی طبقات دارا و بورژواهای است و در هر بحران جدید در جنگ طبقاتی میان طبقات استثمارگران و غاصب، و استثمارشوندگان و تولید کنندگان، تمدن و عدالت بورژوازی چهره واقعی خود را، یعنی که واقعیت سبیعت بورژواها و جمهوری بورژواها را در برایر کسانی که جرات کرده اند به نظم و عدالت آن‌ها دست درازی کنند، باوضوح بیشتری نشان داده است. و مگر نه اینکه در همین جمهوری اسلامی، نا برایریهای فاحش اجتماعی و اقتصادی و استثمارخشن و وحشیانه کارگران، عدالت خوانده میشود؟ مگر سران رهیم درعین کشتار بی رحمانه زحمتکشان و آزادی خواهان و قتل عام انقلابیون و کمونیستها و سلب ایندیانی ترین حقوق مردم، اعدا نمی‌کنند که جمهوری اسلامی از نظر رعایت آزادیها و حقوق مردم از تمام دنیا سر است؟!

بنابراین وجود طبقات متخصص و جنگ طبقاتی سو توافق نیست، واقعیت است و همانطور که عدالت و تمدن در نزد دو طبقه متخصص جامعه معنا و مضمون متفاوتی دارند، واژه جمهوری نیز از این قاعده مستثنی نیست. اگر جمهوری بورژوازی متضمن منافع بورژواهای است و در آن ارگانهای بورکراتیک

## جمهوری داریم تا جمهوری!

بیهوده تلاش می کنند محدودیت دید خودرا به کارگران نیز تعیین دهند و جمهوری های نوع بورژوائی را بر کارگران و زحمتکشان تحمل کنند. این محدودیت دید و خلاصه کردن حکومت آلتراستیو در شکل جمهوری و حفظ مضمون و ماهیت بورژوائی آن، که بازنگاری مستقیم منافع بورژوائی امضا کنندگان این سند است، بدون شک هیچ ربطی به منافع کارگران و طبقه کارگرایران ندارد. جمهوری بورژوائی مانند انقلاب بورژوائی مقوله ای است مربوط به گذشته و زمانی که هنوز انقلابها میخواستند حتی این خوش را بر خود پوشیده بدارند و هنوزگفتار و شکل، بر مضمون و محتوى برتری داشت، امروزاما قصبه به گونه دیگری است و محتوى مقدم است بر گفتار! و قادر بجا می گوید مارکس در این مورد که "انقلاب اجتماعی قرن نوزدهم چکامه خود را فقط ازمن آینده میتواند برداشت کند نه از گذشته. تا این انقلاب هر گونه ایمان خرافی به گذشته را بلکه کنار نگذارد نمیتواند به انجام وظیفه خاص خود بپردازد. انقلابهای پیشین به یادآوری رویدادهای تاریخی دوران های سپری شده از آن جهت نیاز داشتند که بتوانند محتوى واقعی خود را برخود پوشیده دارند. انقلاب قرن نوزدهم (و ما از خود اضافه می کنیم انقلاب قرن بیست و یکم!) برای آنکه بتواند محتوى خود را برخویش روشن سازد باید " مردگان را بگذارد تا مردگان بردارند ". آنجا گفتار بر محتوا برتری داشت و اینجا محتوا بر گفتار!" (۲۲)

بکار تا جمهوری طلبان رنگارنگ همچنان در مدار شکل گرایی بچرخد، بکار آنان به معجزات جمهوری، جمهوری خشک و خالی جمهوری خالص، جمهوری دمکراتیک و دریک کلام جمهوری بورژوائی دل خوش کنند! و به حکایت مردگان بشینند. مردگان را باید گذاشت تا مردگان بردارند! در عوض کارگران و کمونیست ها نیز برای برپایی جمهوری یا حکومت نوع کمون، جمهوری یا حکومت کارگری، جمهوری یا حکومت شورائی بعنوان یکانه آلتراستیوانقلابی بالافصل جمهوری اسلامی که قادر است اولاً به قطعی ترین و رادیکال ترین شکل ممکن مطالبات دمکراتیک عموم کارگران و زحمتکشان را متحقق سازد و ثانیاً در اسرع وقت زمینه های تعیین و تداوم انقلاب کارگری و آماج های سوسیالیستی را پی ریزی کند، مبارزه کرده و خواهند کرد.

الف\_ جواد زاده  
خرداد ۷۸

زیرنویس ها:

۱\_ اتحادکار شماره ۵۰ خرداد ۷۷

۲\_ سخنان رضا پهلوی از یک رادیوی فارسی زبان خارجی \_ تاکیدها ازمن است.

۳\_ از مصاحبه رضا پهلوی با نشریه " دیدار "، شماره ۲۹، ۱۵ اردیبهشت ۷۸ تاکید از من.

۴\_ کیهان چاپ لندن، ۱۳ خرداد ۷۸

۵\_ اتحاد کار شماره ۳۹ تیر ماه ۷۶ \_ تاکیدها از من است.

۶\_ اتحاد کار شماره ۵۰ خرداد ۷۷

۷\_ در این حکومت موقت که اکثریت آن در دست نمایندگان بورژوائی (جمهوری خواه و سلطنت طلب) بود، نمایندگانی از خرده بورژوائی هم وجود داشتند. طبقه کارگر فقط دو نماینده داشت، لوئی بلان و آلبرت.

۸\_ لامارتین، شاعر، مورخ و سیاستمدار فرانسوی از رهبران جمهوری خواهان میانه رو بود که رئیس واقعی حکومت موقت بود.

۹\_ مارکس: مبارزه طبقاتی در فرانسه \_ تاکید هالز من است.

۱۰\_ نگاه کنید به هجدۀ بروم لوئی بنایپارت اثر مارکس.

۱۱\_ تی پر، مورخ بورژوائی، رجل دولتی فرانسه در سال های ۱۸۳۱- ۱۸۴۰ نخست وزیر فرانسه. در دوران جمهوری دوم نماینده مجلس موسسیان و مقنه، اول رئاستیست. در سالهای ۱۸۷۰- ۱۸۷۱ رئیس جمهور فرانسه که کمون پاریس را دزدیده بود.

۱۲\_ لین، دولت و انقلاب، منتخب آثار یک جلدی

۱۳\_ مارکس و انگلس، پیشگفتار سال ۱۸۷۲ مانیفست حزب کمونیست

۱۴\_ کرتنیسم پارلمانی، ایمان سفیهانه به اقتدار و خطا ناپذیر بودن سیستم حکومت پارلمانی و عدم درک این واقعیت است که مسائل اساسی جامعه را پارلمان حل نمی کند. این اصطلاح را نخستین بار مارکس بکار برده است. (توضیح از مترجم کتاب هجدۀ بروم لوئی بنایپارت)

۱۵\_ مارکس، جنگ داخلی در فرانسه

۱۶\_ مارکس: هجدۀ بروم لوئی بنایپارت.

۱۷\_ مارکس: هجدۀ بروم لوئی بنایپارت.

۱۸\_ مارکس: هجدۀ بروم لوئی بنایپارت.

۱۹\_ مارکس: هجدۀ بروم لوئی بنایپارت.

۲۰\_ مارکس: هجدۀ بروم لوئی بنایپارت.

۲۱\_ مارکس: هجدۀ بروم لوئی بنایپارت.

۲۲\_ مارکس: هجدۀ بروم لوئی بنایپارت.

۲۳\_ مارکس: هجدۀ بروم لوئی بنایپارت.

خواست مبهمی درجهت جمهوری که می بایست نه فقط شکل سلطنتی سلط طبقاتی، بلکه خود تسلط طبقاتی را نیز تغییر دهد، کمون شکل مثبت این جمهوری بود" (۲۱) می بینیم که کارگران هم جمهوری خاص خودشان را دارند و دهها سال قبل از این، شکل و شیوه حکومتی خود را پیدا کردند. این جمهوری، یعنی جمهوری کارگران که هدفش نه فقط تغییر شکل سلط طبقاتی که تغییرخود تسلط طبقاتی است، نامش کمون است و "کمون همان شکل سیاسی ای بود که رهائی اقتصادی کاررا ممکن میساخت" (۲۲). کمون و حکومت نوع کمون، دستاورد مبارزات و قهرمانیهای پرولتاریای پاریس، الگوی حکومت کارگران است.

طبقه کارگر ایران نیز نمیخواهد جمهوری اسلامی را سرنگون سازد و قدرت سیاسی را به دست حضرات بورژوا بسپارد و بعد هم منتظر بماند تا این بار بجای ارگانها و نهاد های جمهوری اسلامی، توسط ارگان ها و نهادهای جمهوری بدون اسلامی به بند و زنجیر کشیده شود. کارگران این بار می خواهند و می باید خودشان قدرت سیاسی را به دست گیرند و حکومتی از نوع کمون را مستقرسازند. آنان میخواهند و میباید جمهوری اسلامی راچهرا سرنگون سازند، ماسین کهنه دولتی را داغان کنند و با پی ریزی بلارنگ دستگاه فوین دولتی، مستقیم و بیواسطه اراده و حاکمیت خویش را اعمال کنند. کارگران در پی برقی آن نوعی از حکومت و آن نوعی از جمهوری هستند که هرچه فوری ترمیم پیاده شدن آرمانهای کارگری و تعمیقاً نقلاب کارگری را هموارتر نموده و راه را برحق اهداف سوسیالیستی بگشاید. اگر کمون پاریس این نوع دولت را طرح می ریخت و مارکس آنرا سرانجام شکل سیاسی کشف شده ای نامید که قادر است این مسیررا پیموده ورهائی اقتصادی رنجبران را عملی سازد، بعدها شوراهای و حکومت شورائی نیز بنیاداً این نوع دولت را احیا کرد. شوراهای و ساختار حکومت شورائی نیز بنیاداً نوع حکومت شالولد قدرت و دستگاه دولتی راسازمان تودهای طبقات تحت ستم سرمایه داری یعنی کارگران و زحمتکشان تشکیل میدهد. در حکومت شورائی یا جمهوری شورائی، کارگران و زحمتکشان در شوراهای مشکل میشوند و خودشان ابتکار عمل و اداره امور را در دست می گیرند. اگر که کارگران و زحمتکشان حتی در دمکراتیک ترین جمهوری های بورژوائی هم، ضمن برخورداری از حق برابر طبق قانون، از دخالت در زندگی سیاسی و سرنوشت خود و نیاز حقوق و آزادیهای دمکراتیک محرومند و راه مشارکت واقعی آنها در این امور را هزار و یک حقه و نیرنگ مسدود شده است، در اینجا، در جمهوری شورائی، آنان دیگر توده های بلا اراده ای نیستند که بورژوائی هر طور خواست درمورد آنها تصمیم بگیرد و از طریق ارگانهای بورکراتیک، اراده خود را برآن تحمل کند، بلکه این کارگران اند که از طریق شوراهای خود، به اعمال حاکمیت مستقیم و بیواسطه خود میپردازند و با اجرای دمکراسی شورائی، امور کشور را اداره ای نیستند که بورکراتیک هر طور خواست درمورد آنها تصمیم بگیرد و از حق خویش را مغایر اهداف و وظائف تعیین شده تشخص دادند، اورا عنزل و فرد دیگری را به جایش انتخاب کنند. فقط سازمان شورائی دولت است که می تواند دستگاه بورکراتیک و نهادهای کهن بورژوائی را که بزرگترین مانع در اجرای دمکراسی برای کارگران است، بطور کامل متلاشی کند و آن را از میان بردارد.

اگر کمون پاریس، نخستین گام دورانساز را در این راه برداشت، شوراهای بشویکی و نظام شورائی، گام دوم را برداشت، کمون دوم را برداشت، شوراهای شورائی این ابتکارات افتخارآمیز و دستاوردهای پرولتاری، گلوهای حکومت کارگری و جمهوری کارگران اند. طبقه کارگر ایران نیز از این تجارب و دستاوردهایی تعلیم شده است. فقط سازمان شورائی دولت است که می دیدند کارگران ایران درجریان سرنگونی نظام سلطنتی و تحولات اولیه بعد از آن، با مشکل کردن خود در شوراهای، ولو شوراهایی که هنوز نظفه هایی از عزم کارگران به اعمال اراده و حاکمیت خویش را در دل داشت، ششان داده اند که نه فقط با شوراهای و حکومت شورائی بیگانه نیستند، بلکه امروز بعد از گذشت دو دهه از آن حوادث، بیش از هر وقت دیگری استعداد این را دارند تا جمهوری اسلامی را سرنگون سازند و دولتی طراز نوین، از طراز کمون و شوراهای را اینرو شاخه های مختلف جمهوری طلبان، از جمله سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و سایر امصار کنندگان " قرارداد "

**جدائی دین از دولت، جزوی جدائی ناپذیر از آزادیهای سیاسی است**

## خبری از ایران

### مرگ چند کارگر

بعثت انفجار پسپول گاز در زیر زمین یک کارگاه کارتن سازی واقع در خیابان مصطفی خمینی تهران، دو کارگر که به شدت دچار سوختگی شده بودند، حان خود را از دست دادند. این حادث حدود ساعت ۴ بعداز ظهر دریکی از روزهای آخر خرداد و زمانی رخ داد که این دو کارگر در جنین انجام کاربا استفاده از یک شمع روشن برای ایجاد روشنائی به داخل زیر زمین که آثار کارگاه بود میروند و به محض ورود به زیر زمین، بعلت آتشکه از یک پسپول گاز، قلاً گازنشست کرده بود، ایجاد آتش سوری و انفجار می شود که این دو کارگر بنام های محمد ابراهیم زاده، ۲۷ ساله و حسن عجم ۱۷ ساله جان خود را از دست میدهند. همچنین یک کارگر مقنی که در عمق ۱۵ متری چاه مشغول تعویض لامپ روشنایی بود، ناگهان دچار پری گرفتگی شد و جان خود را از دست داد. این کارگر که جانلی هاشمی نام داشت فقط ۲۷ سال داشت و تبعید افغانستان بود.

### چند خبر کوتاه

مدیر کل صنایع مازندران گفت، ۷۰۱ واحد صنعتی در این استان با رکود فعالیت موافقت نداشت و ۷۲ واحد نیز نیمه فعال است. وی از جمله مشکلات بخش صنعت را رگفتن عوارض متعدد از واحدهای صنعتی و کمبود نقدینگی عنوان کرد. یک واحد تولید ماكارونی در استان بوشهر تقطیل شد و ۲۷ کارگر این کارخانه نیز از کار پیکار شدند. کارگران اخراجی سال ۷۸ شهرستان ارومیه با ارسال یادداشتی برای مطبوعات، خواستار پرداخت حق بیمه پیکاری خود شدند.

### قطع انگشتان دست

طبق گزارش روزنامه قدس دوم تیرماه، ۱۵ نفر از کسانی که به اتهام سرقت دستگیر شده بودند، به قطع چهار انگشت دست راست محکوم شدند. قابل ذکر است که بعد از اجرای حکم، متمهان به بیمارستان منتقل شده‌اند. در تبریز سه نفر به همین جرم، به قطع انگشتان دست محکوم شدند و حکم "حد سرت" درمورد آنها نیز اجرشد. عباس زاده معاون قضائی و رئیس اجرایی احکام دادگستری آذربایجان شرقی درمورد نحوه اجرای این حد گفت "چهار انگشت از بند اخرکه متصل به کف دست است قطع می‌شود" رسالت ۳: "خریدار در این مورد اشاره کرد که نامورده "این نوع مجازات را به دلیل آنکه از بازدارنگی خاصی برخوردار است، مناسب ترین نوع مجازات عنوان کرده است!"

### ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار معتاد

بنا بر اظهارات بهرام یگانه، مدیر کمیته کشوری مبارزه با ایدن، شمار معتادان به مواد مخدراز ۳ میلیون نفرهم تجاوز کرده است. نامبرده گفت که هرچند طبق امار رسمی ستاد مبارزه با مواد مخدرا، تعداد معتادان ۲ میلیون اعلام شده است، اما شمار واقعی معتادان به ۳ میلیون داشت آموز نفر می‌رسد که ۲۵۰ هزار نفر آنان داشت آموز هستند. او همچنین در ۴ مورد کمیت مواد مخدرا و نوجوه توزیع آن گفت مصرف سرانه مواد مخدرا ۲ هزار تن و میزان کشف و ضبط آن بطور متوسط ۵۵ تن است. مواد مخدراهی راحقی وارد کشور می‌شود، به راحتی در منازل، مدارس، معابر و زندان‌ها توزیع می‌شود!

### اعدام در ملاع

دو نفر از زندانیان زندان مرکزی خرم آباد به جرم شورش و شردر زندان وکشتن نماینده ولی فقیه در زندان، به اعدام محکوم شدند. این حکم صبح روز هفتم تیرماه، در میدان آزادی خرم آباد به اجراء در آمد.

همچنین دویزگر که به اتهام سرقت مسلحانه آن بانک در کرمانشاه دستگیر شده بودن، دریکی از میادین شهر و در ملاع به دار آویخته شدند.

### اعتراضی کارگران سپیورکس

کارگران کارخانه فراسا (سپیورکس) ساوجبلاغ، در اعتراض به عدم پرداخت شش ماه حقوق و مزایای خود دست به اعتراض و راه پیمایی زدند. روز ۱۲ تیر، کارگران با دست کشیدن از کار در پرایر کارخانه تجمع انجام دادند. این راه پیمایی کندگان پس از آنکه یک مسیر امکلونتی فاصله کارخانه گذاشت، خواستار حقوق و دریافت حقوق و مزایای عقب افتاده خود شدند. اعتراضی کارگران که تا ساعت ۲ بعداز ظهر ادامه داشت، سرانجام با قول مساعد مسئولین برای رسیدگی به مشکلات کارگران خاتمه یافت.

### اعتراض کارگران بیمارستان

صیغه روز سه شنبه اول تیر، بیش از ۴۰ تن از کارگران خدماتی بیمارستان اندیادی اهله به نشانه اعتراض به عدم پرداخت موقع حقوقها، به مدت دو ساعت دست از کارگران کشیدند. در ادامه این حرکت اعتراضی، کارگران با برپایی یک تجمع اعتراضی در پرایر خواستار مددیریت بیمارستان، خواستار پرداخت سطح خدمات درمانی این سازمان به کارگران و سایر بیمه شدگان شده است، اعتراض از پیمه شدگان آخذ می‌گشته است. علکرد سازمان پنج درصد صادر شده است که طبق آن پارهای دیگران اقلام داروئی از لیست تعهدات بیمه ای این سازمان حفظ شده است. همچنین حق فرانشیزی که داروخانه ها از بیمه شدگان آخذ می‌گشته به میزان پنج درصد افزایش یافته است. علکرد سازمان تامین اجتماعی و صدور بخطابه های رنگارنگ از این که عمل موجوب شدید فشار بر کارگران و کاهش باز هم بیشتر سطح خدمات درمانی این سازمان به کارگران و سایر بیمه شدگان می‌گشته است.

### چهارکاف و بیکاری کارگران

طبق تصمیم مدیرعامل شرکت چهارکاف(کارخانه کیسه گازی کارگران)، این شرکت از روز شنبه ۷/۴/۵ تا ۴۴ کارگرکشاغل این شرکت به کارخانه مانع عمل امد. مدیر عامل شرکت یاد شده بعده از اعلام تعطیلی کارخانه در یادداشت خود برای کارگران به انان ۳ روز مهلت داد تا برای تسویه حساب به محل نگهبانی کارخانه مراجعت نمایند و تاکید نمود که بعد از مدت مقرر، کارگران بایستی به دفترشرکت در تهران مراجحة کنند. در این نامه همچنین وارد کارگران و کارکنان کارخانه، ممنوع اعلام شده است. شایان ذکر است که مدتی قبل ۱۵ تن از کارگران این کارخانه اخراج شده بودند و مدیریت تهدید کرده بود چنانچه حکم پارکش است به کارخانه صادر شود، کارخانه را تعطیل خواهد کرد. معهدها تعطیلی کارخانه و بیکار شدن شده اما سازمان بیمه اجتماعی مبنی حق بیمه نمی‌پردازد" رئیس اداره کار این شهرستان نیز در این زمینه میگوید "به خشناده تامین اجتماعی تعداد ۶ نفر از مشمولان بیمه بیکاری را در چهار مشکل کاره است و قطع حقوق و مزایای عقب افتاده خود شدند. شایان ذکر است که مدیر بیمارستان یاد شده، با حضور در جمیع اعتراض کنندگان به آنان قول داد که در اسرع وقت همه حق و حقوق کارگران پرداخت شود.

### اعتراض کارگران نسبت به قطع حق بیمه بیکاری

به دنبال صدور و اجرای بخشنامه جدید سازمان تامین اجتماعی، پرداخت حق بیمه بیکاری دهانه تن از مشمولان بیمه بیکاری در شهرستان گچساران میگوید "از اول سال تاکنون از کار اخراج شده و پروندهای بیمه بیکاری دریافت حق بیمه بیکاری تشکیل شده اما سازمان بیمه اجتماعی مبنی حق بیمه نمی‌شود" رئیس اداره کار این شهرستان نیز در این تعداد ۶ زمینه میگوید "به خشناده تامین اجتماعی تعداد ۶ نفر از مشمولان بیمه بیکاری خلاف مصوبات قانون کار است و قطع حقوق و مزایای عقب افتاده خود شدند. شرکت چکش از ادانه که تا سن ۷۵ تحت پوشش کمیته امداد اداره میشود، از اسفند همان سال به بخش خصوصی واگذار گردید. کارگران بعد از آنکه حقوق ماه آبان و آذر سال گذشته را با تأخیر بسیار زیاد برداشت نمودند، تاکنون ۷۷ تا کنون پرداخت حقوق و مزایای بیکاری خارج شده است و بیش از ۴ ماه است که (از دی ماه ۷۷ تا کنون) پرداخت حقوق و مزایای کارگران به تعویق افتاده است.

### اعتراض کارگران کفش آزادان

کارگران کفش آزادان واقع در شهر صنعتی البرز قزوین، با ارسال یک نامه اعتراضی به طبلوات و خطاب به مسئولان و دست ادارکاران حکومتی، هوایانه کشش از ادانه که تا سن ۷۵ تحت پوشش شرکت چکش از ادانه که شرط آنکه کتاب "تعهد" کمیته امداد اداره میشود، از اسفند همان سال به بخش خصوصی واگذار گردید. کارگران بعد از آنکه حقوق ماه آبان و آذر سال گذشته را با تأخیر بسیار زیاد برداشت نمودند، تاکنون ۷۷ تا کنون پرداخت حقوق و مزایای بیکاری خارج شده است و بیش از ۴ ماه است که (از دی ماه ۷۷ تا کنون) پرداخت حقوق و مزایای کارگران به تعویق افتاده است.

### نامه اعتراضی کارکنان بیمارستان

به دنبال تعویض و انتقال بیمارستان نورافشان، تعداد زیادی از کارکنان این بیمارستان نیز از این بیمارستان بیکار شدند. از اسفند ماه سال گذشته، به تعدادی آنکه کارکنان به شرط آنکه کتاب "تعهد" نمایند از تابعیت قانون کار اخراج شوند و بعضی نیز از ترس بیکار شدن و از روزی آجیار و اکراه این تعهد را امضا کرده اند، کار و اکڑار شده است، اما کسکانی را که از امضا این تعهد خود داری کرده اند، از کار بیکار نموده اند. همچنین تمامی پرسنل خدماتی بیمارستان را که در محل جدید (مرکز روانی‌شکی صدر) مشغول بکار بودند، از تاریخ ۷/۲/۲۱ آخر اخراج شده بودند و کارهای خدماتی که شرکت خصوصی واگذار شده است. کارگران می باشند.



این شهر، دست از کارکشیدند. مقامات دولت اعتصابیون را تهدید نمودند که اعتصاب "غیر قانونی" خود را هرچه زودتر پایان داده و به سرکارهای خود بیازگردند. آنها تاکید کردند که کارگرانی که به سرکار خود بازنگردند از کار اخراج خواهند شد. اعتصابیون در مقابل، بر حواسه خود مبنی بر افزایش دستمزدها به میزان ۲۰٪ درصد پافشاری نموده و از مقامات دولت خواستند که به جای تهدید کارگران، به فکر جاره مشکلات آنان بشنند. آنها علام نمودند که شکم‌گرسنه فرزندان آنها نمیتوان با تهدید و نور سیرنمود.

\* ۲۰ هزار کارگر یک پالایشگاه مواد نفتی واقع در کرانه دریای سیاه، روز ۸ ژوئیه دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. کارگران اعلام نمودند که با خصوصی سازی این کارخانه مخالف بوده و از مقامات دولت خواستند که به فوریت این تصمیم خود را غیرنامایند.

## تظاهرات بیش از ۵۰ هزار نفر در آنکارا

در تلاش برای تحقق شرطهای صندوق بین‌المللی پول، این بار نوبت میلیونها کارگر و زحمتکش ترکبود که شاهد کاهش حق بازنشستگی و کمکهای بهداشتی خود بیاشدند. دولت ترکیه اخیراً لایحه ای را برای تصویب به مجلس این کشور ارائه نموده برا ساس آن صندوقهای بازنشستگی کارگران خصوصی شده و کمک هزینه های بهداشتی نیز کاهش چشمگیری خواهد یافت. برا ساس همین لایحه صندوقهای بازنشستگی و بیمه درمانی در این کشور تا سال ۲۰۰۵ به کلی به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. اعلام این خبر موجی از خشم و نفرت را در میان کارگران و زحمتکشان این کشور دامن زد. به همت یکرشته از اتحادیه های کارگری، جبهه وسیعی از دهای اتحادیه کارگری و سازمان دمکراتیک گرد هم آمده و پلاتفرم مشترکی را تحت عنوان "پلاتفرم کارگری" نمودند. تمامی سازمانهای شرکت کننده در این گردهم آئی، نخستین شرط خود برای پایان دادن به اعتراضات آئی را، لغو فوری این لایحه از دستور کار دولت اعلام نمودند. اولین تظاهرات اعتراضی روز ۲۴ ژوئیه در شهر آنکارا برگزار شد. در این روز بیش از ۵۰ هزار نفر کارگر و زحمتکش با تعطیل کار در یکی از میدانین شهر گرد هم آمده و خواستار توقف فوری اقدامات دولت شدند. "پلاتفرم کارگری" اعلام نمود روزی راکه این قانون در مجلس به بحث کشانده می شود روز اعتصاب عمومی اعلام نموده و از تمامی اعتصابیون دعوت خواهد نمود تا با تجمع در مقابل مجلس، عزم استوار خود را برای مقابله با اقدامات ضدانسانی دولت این کشور به نهادنیش بکارند.

## تظاهرات علیه دولت آمریکا

روز ۴ ژوئیه، همزمان با سالروز اعلام استقلال آمریکا، بیش از ۵۰ هزار نفر از مردم پورتوريکو در مقابل پایگاه دریایی روزولت متعاقب به نیروی دریائی آمریکا دریکی از جزایر این کشور تجمع نموده و خواهان تعطیل فوری این پایگاه و خروج تفنگداران دریائی آمریکائی از این جزیره شدند. نیروی دریائی آمریکا از جنگ جهانی دوم تا کنون تقریباً تمامی این جزیره را در اشغال داشتند و از برای امور امنیتی روزولت نیروهای خود استفاده نموده است. هزاران سرباز آمریکائی در این جزیره آموخت استفاده از سلاحهای سنگین را دیده و همین امر باعث تلفات جانی در میان ساکنین این جزیره بوده است. تاکنون دهها نفر از ساکنین این جزیره، که اغلب صیادان زحمتکش هستند، بر اثر برخورد بالا نواع بمبهای عمل نکرده، جان خود را لذست داده اند. آخرین مورد، انفجار یک مین در ماه آوریل بود که منجر به مرگ یکی از اهالی این جزیره شد.

۳۰۰ نفر از کارکنان شهرداری فوق از تاریخ ۲۸ ژوئن به مدت سه روز دست به اعتصاب زدند. کارکنان مربوطه از اعضا اتحادیه هم صدا می باشند.

## اعتراض رانندگان کامیون در آرژانتین

پوز ۷ ژوئیه، هزاران نفر از رانندگان کامیون در آرژانتین دست به یک اعتصاب نامحدود زدند. علت اعتراض رانندگان زحمتکش، تصمیم دولت برای افزایش مالیاتها بود. در این روز هزاران اعتصابی خشمگین در خیابانهای شهر ایجاد مانع در چندین جاده اصلی شهر، رفت و آمد وسائل نقلیه و جابجایی مسافرین شهری را به کلی مختل نمودند. در مقابل، دولت از رانندگان نیبرای "اعاده نظم" نیروهای پلیس و انتشار را با خواسته از خیابانهای بیرون راند.

## اخبار کارگری جهان

### اعتصاب کارگری در اکادور

روز ۲۱ ژوئیه، هزاران تن از کارگران و کارکنان بخش دولتی در اکادور در اعتراض به سیاست های اقتصادی دولت که به گسترش فقر و یکاری در این کشور منجر شده، دست به اعتصاب زدند. اعتصابیون بارهای پیمائی در خیابانهای مرکزی پایتخت، خشم خود را به نهایت گذاشتند. در جریان تظاهرات، پلیس ضیشورش با حمله وحشیانه به صفوف تظاهرکنندگان دهها تن را مجرح کرد.

### راه پیمائی در بربیزه زحمتکشان

قریب به هزار تن از دهقانان فقیر و فاقد زمین، روز ۷ ژوئیه، راهپیمائی ۹۲ کیلومتری خود از "ربیزیلیا" به سوی "برزیلیا" را آغاز کردند. دهقانان که در نتیجه استهای اقتصادی دولت، هر روزه خانه خراب ترشیده و در فقر مطلق به سرمیرند، خواهان برخورداری از امکانات بهداشتی و آموزشی هستند، انان همچنین خواهان تعدیل در بدبیهای خود به بانک ها میباشند. راهپیمائی دهقانان یکماه به طول خواهد گرفت.

### اوج گیری اعتصابات کارگری در آندونزی

روز ۷ ژوئیه، دهها هزار کارگر در شهرهای مختلف اندونزی به منظور گرامیداشت یاد سه کارگری که در سال ۹۶ در حین تظاهرات توسط پلیس کشته شده بودند، دست از کار کشیدند و به راه پیمائی پرداختند و خواهان بر کناری حبیبی رئیس جمهوری حاکم شدند. تظاهرات سه سال پیش کارگران، در اعتراض به فقر و بیکاری و تورم بود که با دخالت پلیس سرکوب شد و در نتیجه آن سه تن کشته و صدها تن دستگیر شدند.

### اخرج ۸۰۰ کارگر کامپیوترسازی

بزرگترین کارخانه سازنده کامپیوتری های خانگی، کارگر را اخراج نمود. این کارخانه آمریکائی، بدین ترتیب ۱۵ درصد از نیروی شاغل خود را بیکار کرده است.

### اعلام حکومت نظامی در سورینام در هر اس آزمیکس مبارزات کارگری

دولت سورینام طی دوهفته آخر ژوئیه باموجی از اعتصابات کارگری رو برو بوده است. یا گسترش و ارتقا کفی این حرکات، روز ۲۷ ژوئیه برگزاری هرگونه تظاهرات، تجمع و راه پیمائی در سورینام ممنوع اعلام شد. این اقدام به منظور جلوگیری از برپانی اعتصاب عمومی ای بود که به دعوت اتحادیه های کارگری این کشور فراخوانده شده بود. گرچه برای این اعتصاب روز ۲ اوست سازماندهی شده بود، اما کارگران از هنگام اعلام حکومت نظامی و سیعاً به خیابانها آمده و خواهان برگناری رئیس جمهور این کشور شدند.

دهها هزار تن از کارگران کارخانه جمل و برق، کارکنان جمل و نقل شهری و فرودگاهها و پرسنل بیمارستانها و مراکز بهداشتی روز ۲ اوست دست از کار کشیدند.

### اعتصاب کارکنان شهرداری ناتینگهام انگلیس

در مخالفت با تصمیم شهرداری ناتینگهام به خصوصی سازی بخش حفاظت سازمان مسکن شهرداری و اخراج ۴۵ تن از کارکنان، بیش از

\* روز ۲۸ ژوئیه، هزاران نفر از کارگران شاغل

به یک اعتصاب نامحدود زدند. این اعتصاب در دستمزدها در رسال ۲۰۰۰ انجام گرفت. در این

روز تمام موسسات دولتی، ادارات، پست، مدارس و حمل و نقل شهری مسافران به کلی متوقف شد. سرانجام پس از ۴ روز، دولت لهستان را خواست از این موقت اتفاق نمود. این اقدام دستمزدها در رسال ۲۰۰۰ موافق نموده و اعضا این موقت اتفاق نمودند چنانچه تا پیدا کرد. اعتصابیون اعلام نمودند چنانچه تا آخر ماه اوت به دیگر خواستهای خود نرسند. همین روز دهها هزار نفر از پرستاران در مقابل ساختمان خواسته از جمیعت رسانیدند.

\* روز ۲۸ ژوئیه، هزاران نفر از کارگران شاغل

به یک اعتصاب نامحدود زدند. این اعتصاب در دستمزدها در رسال ۲۰۰۰ انجام گرفت. در این

روز تمام موسسات دولتی، ادارات، پست،

مدارس و حمل و نقل شهری مسافران به کلی

متوقف شد. سرانجام پس از ۴ روز، دولت

لهستان را خواست از این موقت اتفاق نمود. این اقدام

به منظور جلوگیری از برپانی اعتصاب عمومی ای

بود که به دعوت اتحادیه های کارگری این کشور

فراخوانده شده بود. گرچه برای این اعتصاب روز ۲ اوست سازماندهی شده بود، اما کارگران

از هنگام اعلام حکومت نظامی و سیعاً به خیابانها

آمده و خواهان برگناری رئیس جمهور این کشور شدند.

دهها هزار تن از کارگران کارخانه جمل و برق،

کارکنان جمل و نقل شهری و فرودگاهها و پرسنل بیمارستانها و مراکز بهداشتی روز ۲ اوست دست از کار کشیدند.

## پیرامون اتحاد عمل ها

خشونت طلب جناح انحصار گر آن، مستقر سازند و متدرجا" به یک "جمهوری عرفی" گذر نمایند!

نیروهای راست نظیر سازمان اکثریت نیز در همین فضا سیر وسیاحت میکنند. هم اکنون تمامی هم و غم سازمان اکثریت کسب جواز فعالیت علی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی است تا بتواند در انتخابات مجلس ششم فعلانه شرکت کند! این سازمان هم اکنون در آرزو و در رویارویی فرستادن چند اکثریتی به مجلس اسلامی بسر میبرد تا از آن سنگر به دفاع از "آزادی" و "دموکراسی" پردازد و جمهوریت نظام در برابر ولایت آن را تقویت کند! بنابراین در چنین اوضاعی روشن است که امضا کنندگان "قرارداد اتحاد عمل پایدارسیاسی" برغم گنجاندن نظام جمهوری بورژوازی در پلاتفرم خود، وقتی که این پلاتفرم را جلو طیف راست و جمهوری خواهان می گذارند، آنان بجای پذیرش آن، دعوت کنندگان را نصیحت می کنند که دست از مسئله سرنگونی رژیم بردازند و بقول بیشتر حکمت در همان مصاحبه "استراتژی سرنگونی را کنار گذارند" و آنان را به "فعایت علی و قانونی" که در ایران "دارای زمینه" است، فراخوانند. و چنین است که روشنائی چراغ سبزی که روشن شده است در ظلمت سرنگونی، ناپدید و یا لااقل بسیار کم سو میشود!

س : گفته شده است که اتحاد عمل این سه جریان (راه کارگر، حزب دمکرات و اتحاد فدائیان خلق) ناظر بر مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی و استبداد حاکم است نه ناظر بر آلتربناتیو حکومتی، در این مورد به داشتن برنامه های متفاوت که در مقامه پلاتفرم مشترک این نیروها به آن اشاره شده است را بعنوان دلیلی برهمین مسئله نکرکرده اند، خواستیم بینین نظر شما در این مورد چیست؟

ج : من هم در نظریه راه کارگر چنین باصطلاح استدلال های را خواندم. در این مورد باید بگوییم که اولاً وجود برنامه های مختلف یا اختلافات برنامه ای به هیچوجه مانع از اشتراک نظر روح بسیاری از مسائل سیاسی نیست و نشده است! معتقدان به برنامه های مختلف می توانند برسر حداقل هایی با هم به توافق برسند و حتی دولت وقت نیز تشکیل بدهند! ثانیاً امضا کنندگان پلاتفرم، تصریح کرده اند که اتحاد عمل آنها یک اتحاد عمل پایدار سیاسی است و در "قرارداد" خود معتمد شده اند تا تحقق یک سری مطالبات، مشترکاً مبارزه کنند. این تعهد بمعنی آن است که چنین اتحادی لااقل تا تحقق خواسته ای که در بند های هشت گانه پلاتفرم مشترک فرمول بندی شده است یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی، استقرار جمهوری، تامین آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک و مدنی مردم به کامل ترین شکل آن، تامین حقوق ملی خلقهای تحت ستی ایران براساس به رسمیت شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت، جدائی کامل دین از دولت، لغو هرگونه تعییض جنسی و تامین برابری حقوق زنان با مردان، تامین حقوق و ارتقاء سطح زندگی کارگران و تضمین حق تشکل مستقل و حق اعتصاب و غیره، پایدار است! یعنی که یک اتحاد عمل دراز مدت که به نوعی، جبهه هم هست! ثالثاً در این پلاتفرم بلا فاصله بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی، از استقرار نظامی دمکراتیک و مردمی در شکل جمهوری صحبت شده است. شما بمن بگوئید وقتی نیرو یا نیروهای می خواهند رژیم حاکم و جمهوری اسلامی را سرنگون سازند و حکومت و نظام دیگری را در شکل جمهوری مستقر سازند و یک رشته مطالبات را نیز محقق سازند، این جمهوری استقراریاباند، اگر آلتربناتیو حکومتی، و حکومت جایگزین نیست پس چیست؟ بنابراین قطع نظر از خواستها و ذهنیت کسانی که نمی خواهند این واقعیت را بپذیرند و چنین تصور می کنند که این منشور صرفاً ناظر بر مبارزه با رژیم و استبداد حاکم است، اینطور نیست. این منشور فی الواقع مضمون دولت آلتربناتیو و نظام جایگزین را نیز مشخص کرده است. در این مورد سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران در ارگان مرکزی خود به صراحت به این موضوع اشاره کرده است. اتحاد کار (شماره ۵۰) همزمان با درج متن قرارداد اتحاد عمل پایدار سیاسی، توضیحاتی نیز پیرامون آن ارائه نمود و در توضیح بند دوم آن به صراحت چنین نوشت "بند دوم قرارداد به نظام جایگزین بعد از جمهوری اسلامی تأکید می کند: استقرار نظامی دمکراتیک و مردمی در شکل جمهوری با انتخاب آزادانه اکثریت مردم ایران!"

س : برخی از امضا کنندگان قرارداد چنین ادعا کرده اند که منظور آنها از نظام جمهوری که در پلاتفرم خود آورده اند، یک جمهوری بورژوازی و پارلمانی نیست. و گفته اند و اظهار تعجب کرده اند که چرا هر چه پسونی ندارد باید بورژوازی باشد و جمهوری بدون پسوند چرا تواند سوسیالیستی باشد. همچنین گفته شده است کسانی از جمهوری چنین برآشتنی دارند که معتقدند دمکراسی مال بورژوازی است و آزادی های بی

سرانجام پلاتفرم مورد توافق خود را تحت عنوان "قرارداد اتحاد عمل پایدار سیاسی" در اردیبهشت ۷۷ انتشار دادند. بدین ترتیب حرکتهای مشترک ما در این چارچوب که تا قبل از آن نیز بتدریج محدود شده بود، از آن پس بکلی متوقف گردید.

س : به چه علت و یا علت هایی پیشنهادات سازمان پذیرفته نشد؟

ج : علت و یا علت های پذیرفتن پیشنهادات سازمان را البته شاید بهتر می بود که خود آنها توضیح می دادند، اما به برداشت من در پشت امتناع آنها از حذف جمهوری که بعنوان حکومت جایگزین مطرح میشد و در پشت اصرار اشان به آوردن این مقوله، دیدگاه "عیقاً" راستی خوابیده بود که فی الواقع از این طریق می خواست دریچه ای نیز به روی جمهوری خواهان و طیف راست بگشاید. استقرار یک جمهوری و نظام پارلمانی استواریستی بجای جمهوری اسلامی به زعم اصرار کنندگان و مدافعانش، می توانست برای این طیف ها ایجاد جذب نموده و نقشه اتکاً و اشتراکی دست و پا کند و در همین رابطه مشغولیت ذهنی گرایشی که بیش از همه پرپایدار بودن این اتحاد عمل اصرار و اعتقاد داشت این بود که این اتحاد عمل به نوعی "جهه نیز" فرا بروید. بنابراین پذیرش پیشنهاد مانعلاً به معنای خاموش کردن چراغ سبزی بود که تازه برای این طیف ها روشن شد که بودند. از طرف دیگر مضمون دولت آتی مورد نظر ما که در پلاتفرم پیشنهادی مان انعکاس یافته بود و بر اعمال حاکمیت مستقیم و بلا واسطه کارگران و زحمتکشان و کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و دیگر اشخاص رحمتکش شهر و روستا بعنوان عالی ترین ارگان حکومتی و در یک کلام بر حکومت شورائی تاکید می کرد، چیزی نبود که مورد پذیرش طرفداران مجلس موسسان و مدافعين پارلمان بورژوازی قرار بگیرد. و این موضوع البته با توجه به برنامه و موضع این نیروها چیز عجیب و غریبی هم نبود.

معهذا همین جا لازم است ولو با قدری مسامحه بگوییم که امضا کنندگان پلاتفرم، در اصرار به گنجاندن جمهوری بعنوان نظام جایگزین در پلاتفرم، مرتکب اشتباہ شدند. می گوییم مسامحتاً، چرا که در هر حال حضور این مقوله در پلاتفرم به لحاظ کلی با خط مشی عمومی امضا کنندگان منطبق است. اما چرا اشتباہ؟ به این دلیل که علیرغم وجود این بند که آشکارا خطابش طیف راست و بورژوازی لیبرال هاست، اما این ها نیز غیر از تعریف و تمجید از آن نباشد، کار دیگری نکرده و عجالتاً به آن نخواهند پیوست. چرا؟ به این دلیل ساده که پلاتفرم شامل بندهای دیگری نیز بیشود که این طیف ها آنرا نمی پذیرند و قبل از هرچیز خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی که در بند اول آن آمده است نمی باشند. اکثریت این طیف ها و جمهوری خواهان از مصدقه سر دوم خرداد، دنباله رو خاتمی و خواهان استحاله رژیم اند و نه سرنگونی آن. البته شاید اگر این پلاتفرم نه در چهار سال قبل و با حضور چهار جریان، بلکه بعد از روی کار آمدن خاتمی و با حضور امضا کنندگان آن تهیه و تنظیم می شد، همین بند هم بصورت دیگری در می آمد و مسئله سرنگونی جای خود را فرضاً به تقویت این جناح و نوک تیز حمله متوجه آن جناح می داد. اما در هر حال این پلاتفرم سوالی هر دلیل و شرط دیگری، حتی صرفاً بخطاب وجود همان بند سرنگونی رژیم، این طیف ها را نیز جذب نخواهد کرد. آنان خواهان حرکت در چار چوب همین رژیم و تنفس در دایره شعار قانونگرایی خاتمی اند و اگر هم که از آزادی و رعایت حقوق فردی و اجتماعی و امثال آن صحبت می کنند، منظورشان هماناً آزادی و رعایت حقوق مردم در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی است. برای نمونه شما می توانید نگاه کنید به مصاحبه آقای بیژن حکمت یکی از تئوری پردازان جمهوری خواهان با نشیریه راه کارگر (۱۵۹). بهر صورت تصور نمی کنم برای اثبات این مطلب که طیف راست از جمله جمهوری خواهان و اصولاً کلیه بورژوا لیبرالها خواهان اصلاحاتی در چارچوب همین رژیم اسلامی می باشند، نیاز به توضیح بیشتری باشد. آنان از برنامه خاتمی حمایت می کنند. من در راجائی بیانیه جمهوری خواهان ملی ایران را می خوانم که در آن از جمله چنین آمده بود "ما از برنامه آقای خاتمی برای گشایش فضای سیاسی، احراق حقوق ملت، ایجاد نهادهای جامعه مدنی و استقرار قانون در جمهوری اسلامی پشتیبانی میکنیم ولی برای نظریم که شکل گرفتن جامعه مدنی و تامین حقوق برابر... مستلزم یک جمهوری عرفی و لغو انحصاری مذهب در حوزه عمومی است" شما اکرم اوضاع این نیروها را دنبال کرده باشید حتماً دیده اید که جمهوری خواهان پا را حتی از این هم فراتر می گذارند. آنها ضمن حمایت از خاتمی، خواهان آنند تا از طریق "مفاهمه" خاتمی با "عناصر میانه روئی از جناح اتحاد" گر و خشونت طلب"، خشونت طبلان این جناح را منزوی سازند!! و آزادی و دمکراسی را به اتفاق دو جناح اصلی حکومتی اما منهای عناصر صفحه ۱۳

قید و شرط سیاسی و حق رای عمومی با سوسیالیسم و دولت کارگری خوانای ندارد. نظر شما در این مورد چیست؟

کمونیست ایران مسئله را در میان گذاشتم تا مقطع انتشار علنی پلاکتدم بجز همان سه جریان نیروی جدیدی به آن اضافه نشد". بنابراین، این اتحاد عمل، سوای عملکردش در زمینه موضوعگیریها نسبت به رویدادهای سیاسی روزگه نسبت به اتحاد عمل چهار جریان در گذشت، آشکارا افت کرده است، در زمینه گسترش و جذب سایر جریانات نیز توفیق نداشته است و مسلماً" این بیلان، همانطور که مشاهده میکنید، به هیچوجه یک بیلان نیمه درخشانی هم نیست. بهرو شاید مدت بیست و هفت هشت ماه بعد از توافق روی پلاتفرم و گذشت ۱۴، پانزده ماه از انتشار علنی آن، هنوز مدت زمان کافی برای گسترش این اتحاد سپری نشده باشد، معهدها بمنظور من این فرع قضیه است و اساس نیست. اساس همانی است که قبلاً به آن اشاره کردم و در یک کلام، من برای گسترش این اتحاد چشم اندازی نمی بینم!

اما در مورد بخش دوم سوال شما، همانطور که در ضمن سایر پاسخ‌ها نیز بخش" به آن اشاره کردم، این پلاتفرم ناظر بر ایجاد یک جمهوری دمکراتیک پارلمانی و دولتی است که در آن قدرت به پارلمان تعاق دارد. این یعنی چه؟ این یعنی آنکه ماشین دولتی و ارکان اداری آن از نوع معمولی، کهن و بورژوازی است. ارتش دائمی، پلیس و مامورین دولتی که عملاً تعویض نشدنی و دارای امتیازهای است، جدا از مردم و مأمور آنها قرار دارند. در جمهوری پارلمانی البته به مردم و عده دمکراسی داده میشود. از آزادی و انتخاب آزادانه مردم صحبت میشود، حال آنکه در واقعیت امر در این دمکراسی، طبقات دارا حاکمیت میکنند. کسانیکه وسائل تولید، وسائل ارتباط جمعی و تمام ابرازهای شکل دهی افکار عمومی را در دست دارند و همین‌ها هستند که از ثمرات دمکراسی بهره می‌برند. دمکراسی فی الواقع مختص همین‌ها و در خدمت همین‌هاست و از انتخاب به اصطلاح آزادانه و دمکراتیک، برای توده کارگر و زحمتکش تهای این باقی میماند که هرچند سال یکباره به پای صندوق‌های رای بروند و "آزادانه" و البته خلی هم "دمکراتیک"! انتخاب کنند که چه کسی و کدام جناح از طبقه سرمایه دار زمام امور را در دست بگیرد و برآن حکمرانی کند. موضوع فقط این نیست. موضوع این نیست که حتی در دمکراتیک ترین جمهوریهای بورژوازی و پارلماناتریستی هم توده کارگر و زحمتکش در هرگام با تضاد فاحشی بین برایر ظاهری و حقوق صوری که دمکراسی سرمایه داران اعلام می‌دارد، و هزاران محدودیت و بی حقی واقعی روبرو هستند. مسئله اینست که امروز برویه درگشتری نظیر ایران یک چنین بدیل و چنین دولتی حتی از پیش‌آوردن یکشنبه مطالبات دمکراتیک هم عاجز و ناتوان است. برای مثال مطالباتی نظیر تأمین حقوق ملی خلقها بر اساس به رسمت شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت خویش، جدائی کامل دین از دولت، لغو هرگونه تعییض جنسی، تضمین حق تشكیل مستقل کارگران و حق اعتصاب و نظری آن، اینها اگر چه تماماً مطالباتی دمکراتیک می‌باشند، اما بورژوازی و جمهوری بورژوازی اینها تحقیق کامل آن نمی‌رود و رسالت تحقق اینگونه مطالبات نیز بر عهده طبقه کارگر قرارگرفته است. خلاصه آنکه بدون استقرار یک دمکراسی وسیع و به تمام معنا واقعی که به نفع اکثریت عظیم جامعه باشد، ولو جمهوری اسلامی هم سرنگون شود، نه این مطالبات و نه سایر مطالبات کارگران و زحمتکشان متحقق خواهد شد. اما نخستین نظر اسقطرارایین دمکراسی آن است که جمهوری اسلامی سرنگون شود و توده‌های کارگر و زحمتکش قدرت سیاسی را به چنگ آورند و از طریق شوراهای از پائین ترین سطوح، از کارخانه‌ها، محلات و مراکز خدماتی گرفته تا بالا ترین سطوح، به اعمال مستقیم حاکمیت خود بپردازند. در اینجا اداره امور کشور بطوطراوی در دست توده مردم قرار می‌گیرد و لازم نیست کسی به آنان دمکراسی و آزادی بدهد یا ندهد، آنان خود با ابتكار عمل خود، دمکراسی شورائی را مستقر کرده و از حرارت میکنند. بنابراین در برایر شعار مجلس موسسان و جمهوری پارلمانی، ما شعار کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان، و حکومت شورائی را مطرح میکنیم. در دمکراسی شورائی تمام دستگاه کارگر برچیده خواهد شد جای نیروهای مسلح حرفة ای جدا از مردم را، تسلیح عمومی خلق وارتش توده ای خواهد گرفت. اعمال حاکمیت مستقیم کارگران و زحمتکشان از طریق شوراهای صورت می‌گیرد که به مثابه نهادهای مقنه و مجریه هردو عمل خواهد کرد. در دمکراسی شورائی سیستم انتصابی مقامات تماماً برخواهد افتاد. قدرت دولتی در اختیار نمایندگان انتخابی توده هاست و هر زمانی که انتخاب کنندگان اراده کنند، می‌توانند آنان را عزل نمایند. اتحاد عملی که پلاتفرم‌های "ضمنونا" ناظر بر یک چنین تحولاتی باشد، هم باسطح خواست ها و مطالبات رادیکال توده کارگر و زحمتکش اینطباق دارد، هم پاسخگوی نیازهای این مرحله از جشن مبارزاتی توده های زحمتکش است وهم میتواند پایدار باشد. در خاتمه اجازه بدهید من فرست را غنیمت شمرده و در همین جا کلیه احزاب، سازمانها و نیروهای رادیکال و چپی را که خواستار چنین تحولاتی هستند، به برایان یک چنین اتحاد عملی دعوت نمایم.

ج: این‌ها بینظیر من بیشتر توجیهات است تا اثبات عدم بورژوازی بودن جمهوری آنها، کسانی که چنین مطلبی را ادعا می‌کنند قبل از هرچیز باین سؤال باید پاسخ دهند که چرا اولاً" درقرارداد آنها مسئله درهم شکستن دستگاه دولتی و انحلال ارگان‌های بورکراتیک نظامی موجود بکلی غایب است؟ ثانیاً" چگونه است که در جمهوری و نظام جایگزین آنها اثری از اعمال حاکمیت مستقیم کارگران و سایر گسترش از حمله نمیشود؟ هرکس این را میفهمد که ماهیت چنین جمهوری و نظامی که در آن ارگان‌های بورکراتیک نظامی بورژوازی دست خورده باقی مانده است، بورژوازی است. در این جمهوری قدرت سیاسی و اداره امور کشور در دست طبقه استثمارگر است. و عالیترین ارگان حکومتی، نه فرضاً" کنگره سراسری شوراهای نمایندگان کارگران و زحمتکشان، بلکه همان مجالس قانونگذاری بورژوازی و پارلمان پورژوازی است. بنابراین بحث صرف" برس جمهوری سوسیالیستی نخواهد داشت پسوند یا با پسوند نیست. شما این پلاتفرم را جلو هر نیروی اندک آگاهی بگذرید به شما خواهد گفت که جمهوری آنها یک جمهوری بورژوازی است واز نداشتند پسوند، از این جمهوری برداشت جمهوری سوسیالیستی نخواهد داشت پیویژه آنکه نام امضای کنندگان پلاتفرم را نیز با آن مشاهده می‌کند. مگر آنکه حزب دمکرات و سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران بخواهند بلافضله بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی دولت کارگری و جمهوری سوسیالیستی را مستقرسازند که ما ازان بی خبریم! بنابراین، این مسئله مثل روزگارش است. شما یک نمونه بمن نشان بدهید از آن جمهوری های عدیدهای که آمده و رفته اند و یا همین جمهوری های متعدد بدون "پسوند" موجود درجهان که چند تای آنهم در همسایگی ایران هستند، غیر بورژوازی و یافرضاً" سوسیالیستی بوده اند! می‌بینید که از هر طرف به قضیه نگاه کنید از نظام جایگزین و جمهوری مورد نظر آنها، چیزی بیش از یک نظام بورژوازی و یک جمهوری بورژوازی در نمی‌آید و این برخلاف نظر کسانی که شما از آن یاد کردید، نه "سو برداشت" که عین واقعیت است و هیچ ربطی هم به اینکه دمکراسی مال بورژوازی است و حق رای عمومی با سوسیالیسم و دولت کارگری خواهی داشتی دارد یا ندارد. ندارد! کسانی که این بحث‌ها را پیش می‌کشند بیشترمی خواهند با خلط مبحث، گریبان خود را خلاص کنند که البته توفیقی نخواهند یافت.

س: بعنوان آخرین سؤال، شما چشم اندازین اتحاد را چگونه می‌بینید و اصولاً" پلاتفرم آنها ناظر بر چگونه تحولاتی است؟

ج: به اعتقاد من احتمال و زمینه گسترش این اتحاد، صرف نظر از عوامل دیگر، فی نفسه بخاطر مضمون منتشری که قرار است برمبنای آن سایر جریانات و اشخاص به آن پیوندد، اگر نگویم صفر است، لااقل چیزی نزدیک به آن وسیار ضعیف است. از طرف راست و جمهوری خواهان به همان دلایلی که پیشتر به آن اتحاد وزنی بدهد، به آن نخواهد پیوست. در میان نیروهای سرنگونی مورد نظرش هم یک جمهوری بورژوازی و جمهوری بورژوازی در اینجا از آن پرداخت، به آن نخواهد پیوست. ندارم که خواهان سرنگونی مورد نظرش هم رژیم جمهوری اسلامی باشد، خواهان یکشته تحولات رادیکال و اقلایی و اعمال حاکمیت مستقیم توده ای باشد و در عین حال سرنگونی مورد نظرش هم یک جمهوری بورژوازی باشد. بنابراین احتمال گسترش این اتحاد نه از راست و نه بیویژه از چپ وجود ندارد یا دارد یا بسیار بسیار ضعیف و ناچیز است. البته این فقط اعتقاد و برداشت من از این احتمال عمل نیست، ترکیب کنونی این اتحاد و سخنانی که اعضاء آن نیز در این زمینه بر زبان اورده اند، گویای همین واقعیت است. اگر اشتباه نکنم، پلاتفرم این اتحاد عمل همراه با اطلاقیه ای که امضای کنندگان آن، سایر جریانات و شخصیت‌ها را به همکاری دعوت کرده بودند، اردیبهشت ۷۷ انتشار یافت. یک سال بعد از این تاریخ، یعنی اردیبهشت ۷۸، من مصاحبه جهان امروز با محمد اعظمی عضو هیئت اجرائی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران را در همین رابطه می‌خواندم. محمد اعظمی در پاسخ به این سؤال که آیا تلاش هایی برای گسترش این اتحاد و آوردن سایر جریانات به جمع سه جریان بعمل آمده است یا نه؟ چنین می‌گوید "توافق حول این پلاتفرم یک سال قبل از انتشار علنی آن صورت گرفته بود، اما برای دعوت از دیگر جریانات انتشار آن به تاخیر افتاد. سه جریان امضای کننده پلاتفرم به جریاناتی که احتمال پذیرش این سند را داشتند، مراجعت کردند و نظرشان راجویا شدند. قرارشده بود در صورتی که نیروی چارچوب اصلی آنرا پذیرد به امضای کنندگان افزوده شود، در همین رابطه با جریانات مختلف از جمله رفقای رهبری حزب

پیروز باد مبارزه مردم ایران  
برای سرنگونی جمهوری اسلامی

اعتراضات و تظاهرات خیابانی علیه رژیم ارتجاعی  
جمهوری اسلامی به سرعت گسترش می‌یابد.  
برغم تلاش های مذبوحانه جناب رفیقداران خاتمی برای  
نهادهار و کنترل جنیش و تهدیدهای بی در بی هرد جناب و مردمی که  
مزبور نیز تظاهرات هزاران تن از داشجیونان و مردمی که  
آنها پیوسته بودند، ادامه یافته. ظاهرا کنندگان در  
خیابان های تهران علیه رژیم مذهبی جمهوری اسلامی  
معارضه اند. نیروهای سرکوب حکومت اسلامی که همیشه  
پوششی های تپیدارانها را پشتیبانی می کردند، مردم را در  
سینماهای سینمازیان ولی قدر مورد سرکوب تپیداراند. داشجیونان  
بای پیوسته با مطلب این مقاله با  
خاستند و تظاهرات خود را گسترش دادند.  
اعتراض، تظاهرات و مبارزات مردم در حال گسترش به  
نهادهار و شهروستانهاست. داشجیونان در تعدادی از شهرستانها نیز  
تست به تظاهرات زده اند. در پی سرکوب تظاهرات  
داشجیونان تپیدار و کشته شدن یک داشجو از  
اشتعالات تپیدار و تپیدیز گسترش پیشتری می یابد.  
اشتعالات مبارز در همه جا صفت خود را از سازشکاران  
طبیعت فارح حکومت جدا کرده است. شعارهای داشجیونان که  
علیه تمامیت حکومت اسلامی و همه جناب های آن  
ست، روز به روز را بکالت می شود. با پیوستن توده  
درینه موسیات، روند سرنگوتی رژیم جمهوری اسلامی را  
که دیگر رژیم قادر نخواهد بود، از ضربات این جنیش  
جان سالم بذریغ.  
مردم روزی کارگران و حمتکشان! روشنفکران اقلایی!  
درینه تظاهرات داشجیونان و مطالبات آزادیخواهانه آنها  
اصحایت کنید. با پیوستن به تظاهرات و پریانی اعتصابات  
رهمه موسیات، روند سرنگوتی رژیم جمهوری اسلامی را  
رسیع کنید.  
رژیم جمهوری اسلامی رفتمنی است. آخرین تلاش های  
ذبیوحانه آنرا درهم بکویید.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
سازمان فدائیان اقیت (۱۳۷۸/۴/۲۱)

زندانیان سیاسی  
باید آزاد شوند

جمهوری اسلامی اقدامات سروکوبگانه خود را  
بازداشت دانشجویان و مخالفین سیاسی ابعاد  
است. تصور استداده را یافته است. علاوه بر صدها دانشجویی که در  
میان تظاهرات اخیر به ویژه در تهران و تبریز دستکنیر  
نمودند، درسی، چهار روز گذشته نیز صدها تن دیگر توسط  
امورمن امنیتی رژیم دستکنیر شده اند.

زندگانی استادها تا زمانی که در میان  
نشانشیخیان و مخالفین سیاسی ابعاد  
باشد، باید بازداشت می شدند. زندانها  
ارادیک اراکنهای سروکوب حکومت، پرونده سازی برای  
حال اراکنهای سروکوب حکومت، اطلاعاتی های پی در پی  
تستگیر شدگان را اغذی کردند. اطلاعاتی های پی در پی  
هزار زائر اطلاعات و اغاز شواغر تلویزیونی نشان میدهد  
که رژیم در تدارک محاکمه و محکومیت گروه کشی از  
شجاع شدگان است.

جمهوری اسلامی که به ویژه در پی تظاهرات کترنده  
دانشجویان و نازارضایتی وسیع تعدد ای موقعیت خود را در  
خطهای می بیند، در آخرین لحظات حیات ننگین اش در  
للاش است با انبیا شده کردن هرچه بیشتر زندانهاش در  
مخالفین سیاسی، با سروکوب و کشتن کترنده، خود  
که از مخصوصه بیحران فروپاشی نجات دهد. از این روزت که  
وابعاد وحشی کری های خود افزوده است. آما همانکوئه  
هم از مبارزات اگرگران و زحمتکشان بیوره در یک سال  
نیزه افتاده و اعلاء های مذبوحانه دیگر کارزار نیست و نمی تواند  
للاش های از بحران و فروپاشی تعجات دهد. اکنون دیگر  
بنیان اعزامی علیق مردم محیوبه به این یا آن شهر،  
باشیانش شارش شرایط مادی و معیشتی و اختناق و بی حقوقی  
نیزه ای از سراسر ایران است. مردمی که زیر  
نیزه ای از سیاست را تحمل کنند. ناراضیتی به چنان درجه ای رشد  
افتاده و روحیه تعزیزی مردم به مرحله ای رسیده است که  
زیر نیزه ای را میتواند با سروکوب و کشتن مردم را مارمعوب  
از صحنه مبارزه علیه دور سازد. مهدنا سران زبان  
رازی یقاء حکومت اسلامی به وحشی کری و سروکوب  
دندامه می دهد. هم اکنون جان صدها تن از دستگیر  
مقاصد شوم خود را عملی سازد. با تشید مبارزه  
رازی از اذی زندانیان سیاسی تلاش نکیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی  
سازمان فدائیان (افلیت)  
۱۳۷۸/۴/۲۹  
کار - نان - آزادی - حکومت سوراً

جنبش دانشجوئی ، . . .

نند. تا همین لحظه نیز گروهی از نیروهای تشکل دانشجویی طرفدار خاتمی و برخی جریانات پوزیسیون بورژوازی از وی قطع امید کرده و اعتراف میکنند که ازوی کاری ساخته نیست. بنابراین روشن است که در مجموع تضادهای درونی جناحهای هیئت حاکمه و گروهبندیهای درونی آنها باز هم تشید خواهند شد و این تشدید تضادها موقعیت رژیم را متزلزل تر خواهد ساخت.

۵ اما مهمترین دست آورد جنبش دانشجویی خبر، تاثیری است که بر روحیه میارزایی مردم ایران و چشم انداز اعتلای اتی جنبشهای توده‌ی بر جای نهاده است. اعتراضات و تظاهرات گسترده دانشجویان در تهران و پرخیز هسته‌تانها در سراسر ایران انکاس یافت. شعارهایی که مستقیماً رژیم را مورد حمله قرار میداشند به سرعت درجه‌جا پخت شدند. این جنبش نشان داد که دیگر از توب و تانک و یاسدار و بسیجی هر اساسی نیست و میتوان با عمل مستقیم انقلابی و شعارهای رادیکال، رژیم را به میارزه طلبید. از این درس و نمونه ای برای جنبشهای آتی شد.

توهم پراکنی های توجیه گران و پاسداران نظم موجود را در مرور دحقان میخواسته ای فوری مردم در چارچوب حکومت اسلامی یک بار دیگر نقش برابر کردن شناسان داد. در جائی که رژیم جمهوری اسلامی جز زیان زو و سرکوب چیزی نمیفهد و در مقابل هر خواست عادلانه مردم به قهر و سرکوب متول میشد، هر چیز اعتراضی به ناکریر شکلی قهار امیز به خود میگرد، لذا اعمال قهر انقلابی علیه رژیم و قیام مسلح‌اندباری سرنگونی رژیم ضرورتیست. جتناب ناپذیر.

۷- جیس افغانی - دمکراتیک دانشجویی  
در تظاهرات گسترشده خیابانی به اوج خود رسید، علاوه براین که وضعیت داخلی رژیم را متفاوت و خیم تر ساخت و ضربات مهکم بربریکر پوسیده آن وارد آورد، موقعیت بین المللی رژیم را نیزیه شدت و خیم ساخت. خاتمه دو سال تلاش کرد که مناسیبات بین المللی جمهوری اسلامی را بهبود بخشید تا از این طریق بتواند یک پیشوایانه بین المللی برای حفظ وجودیت رژیم ایجاد کند و علاوه برای برازی حل بحران اقتصادی رژیم، سرمایه بین المللی را بایاری بطلبید. تظاهرات دانشجویان و سرکوب قهری آن توسط رژیم کدر سطح بین المللی انعکاسی وسیع یافت، تمام رشته هارا بنبغ کرد. بر عدم تمايل دولتهاي اميرياليستكه امرديت پيش ميكوشيدن خاتمي را تاقنه جدا افتد. از کجا حکمتهاي مگاهانه "خدا" هستند؟

و طرفدار "دکمکراسی" معروفی کنند، افکار عomoی جهانی به شدت علیه رژیم برانگیخته شد و موقعیت بین المللی جمهوری اسلامی دوباره متنزل گردید. علاوه براین، شکل مبارزه و گسترش جنبش اعتراضی داشتگوئی، به قدرت‌های جهانی و سرمایه بین المللی نشان داد که در شرایط موجودیت جمهوری اسلامی نمیتواند امنیت سرمایه حساب کند و هر ان ممکن است در ایران اندیشه رخ دهد و رژیم را سرنگون کند. لذا جمهوری اسلامی دیگر نمی‌تواند همچون یکی، دوسرال گشته رودی صدور فرزانه‌ای سرمایه برای نجات از مخصوصه بحران

قتصادی حساب کند.  
پی آمد این امر هم تشذیب بحران اقتصادی و  
رشد هرچه بیشتر نارضایتی توده‌ای است.  
از آنچه که گفته شد میتوان نتیجه گرفت که  
جنیش اعتراضی اخیر دانشجویی، تاثیرات  
مهمی بر روابط و خدمت داخلی و بین‌المللی  
رژیم بر جای نهاد. این جنبش، بحران سیاسی  
موجود را عیق تر کرد، نیروهای جدیدی را  
به رعشه رو در روئی مستقم با رژیم کشاند و  
روند فرپوششی جمهوری اسلامی را تسریع  
کند.

نامه سرگشاده به آقای ئوبير ودرین، وزیر امور خارجه فرانسه

اقایی وزیر،  
رژیم جمهوری اسلامی ایران جنیش داشجوبی را که  
مردم از آن وسعاً حمایت می‌کنند به خاک و خون  
کشید. جنین تظاهرکار کننده کشته، صدھا تن خوش و  
هزاران نفر دستگیر شدند. روز چهارشنبه ۱۴/۷/۱۹۹۹  
محاجت اسلام روحانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی که  
خاتمه محکم ریاست آن را به عهده دارد، صریحاً گفت که  
با توجه به اینکه او درستگیر شده محاکمه و مجازات خواهد  
شد. با توجه به اینکه او درستگیر شده بگان و «تفسد» نایید و با توجه به اینکه این اتهامات در  
ما مجمهوری اسلامی حمام خواهد شد، به دنبال ازدند، به نظر  
کشته راهی سال های ۱۹۸۸-۱۹۸۹ تداری می‌بینند.  
ایا باید یادواری نمود که خاتمه نیز اعلام کرده بود

در این شرایط برنا والرو، سخنگوی وزارت خانه شما  
از نوگرایی و اصلاح طلبی رئیسجمهور خاتمه  
جایز نموده<sup>۱۹۹۷</sup> خود شما نیز به روزنامه عربی العصا  
مستقر شده روز چهارشنبه ۱۴ دعموت از خانمی برای آمدن به فرانسه به قوت خود  
دستور انتساب و شما امیدوارید که این سفر انجام بگیرد  
آقای وزیر،  
اکثریت عظم پردم ایران می خواهد به عمر رژیم و  
همه جناح های ان پایان دهد، چرا که آنان از فقر و  
بدبختی، بی عدالتی و کشتار، قطع عضو و سنگسار،  
 وجود حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی،  
 زندان و توهین به زنان و غیره به تنگ آمده اند.  
 رویدادهای روزهای اخیر شناس دادن که وقتی مردم  
 برای مطالبات بحق خود به با خیزند. خاتمه هم  
 چنایات مطالبات را بیمه جانانی با یقین خانه های  
 مألههای وزارت خانه شما و اصرار  
 شما را برای اوردن رئیسجمهور یک رژیم خود کاممه و  
 اصلاح تا پذیر قویا محکوم می کیم.

سن ریوست در سال ۱۷۹۱ نوشته: «سیچاره حکومتی که به انسان اعماق دنی کند». مردمی که وسعاً در سرتاسر ایران می‌سازد همیشه می‌کنند چه قضاوتی در می‌کند دولت شما که از چنین حکومتی پشتیبانی می‌خواهد داشت؟

نشکیلات خارج کشور سازمان فدائیان (اقیت)  
۱۵/۷/۱۹۹۹

وقت پرای نحات حان هزاران دستگیر شده در ایران تنگ است

بیهده ماری راینسنون، کمیسر عالی سازمان ملل متعدد حقوق پیر - تنو  
لایرانی اقایانی پی بر سانه، رئیس عفو بین الملل - لندن  
آقایان یاتریک بعد آن، رئیس فرداسیون بین المللی جوامع حقوق پیر - پاریس  
خانم، اقایان،  
شما در جهان روبادهای هفتاد کذشته در ایران  
رسانیده‌اید. رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر سیاست سرکوب شدید و خوبین جنبش داشتعابی و مردمی را در پیش خواهان دستگیر شده شش روز قام برحق انتشار جهشیان و

چه کسانیدگان جای به اصطلاح معمول رژیم مثل خاتمی  
و چه جناح ارتش اعیان تر اطهارات و تصمیمات بسیار  
نیز نگران کنندگان کنده‌ای را اعلام کرده‌اند. اویی از سرکوب با  
وقتی و با قاطعیت «جهنم و دومی از پالایش»  
گفتند. روحانی دستگیرشدگان را «محارب» و  
سخن «مقصد» نامید. شما خوب می‌دانید که چنین  
اتهاماتی در قوانین اسلامی حکم اعدام را موجب  
می‌شوند.

برای اینکه رژیم ارتقای چهارمی اسلامی کشتارهای  
سال های ۱۹۸۱-۱۹۸۸ را، که در آنها هزاران  
زندانی سیاسی اعدام شدند، تکرار نکند، ما از شما  
می‌خواهیم که بر چه سریعت براي آزادی فوری و  
شروع دستگیرشدگان چند روز اخیر و نیز کلیه  
بی‌فید و شرط سیاست ایران اقدام کنید. جرا که به نظر ما  
از این دست دادن یک روز و حتاً یک ساعت بطبق  
تعجیلی ای که ما از سیاست های سرکوبگر رژیم جمهوری  
اسلامی داریم، جایز نیست.

اما ایندیگر از شما افکار عمومی و ما را از اقدامات

مهم، مسح حیا،  
خانم و آقایان،  
احترامات فائقه ما را پذیرید.

# جناح چپ راه کارگر باید نوسان را کنار بگذارد

ازمیان نشریات

طرفداران بنی صدر بطور غیر علني به ارتقاي شعارهای شان می پرداختيم، نظير به گفته بنی صدر، مرگ برانحصر، مرگ بر چماقدار..." آين واقعاً اسف بارترين و اشتياق آميز ترين تاكتيكي است که يك سازمان چپ و انقلابي ميتواند اتخاذ کند. اين تاكتيک نبروي اين سازمان مفروض رايه سربازان بي جيره و مواجب يك جريان بورژواي تبديل ميکند واز آن مهم تر توهه مردم را به اين جريان بورژواي متوجه ميسازد ويدنبال آن ميفرست.

همين تاكتيک بود که در جريان انقلاب عليه رژيم شاه، نيروهای چپ و کارگری را در جنبش طرفداری از خمينی حل کرد. در آنجامه چپ شعار درود برخوبى داد و به تکرار اين شعار پرداخت که به گفته خمينی شاه بايد چنین و چنان شود، استدللهام اين بود که سرنگونی رژيم شاه را تسریع ميکند. نتيجه فاجعه بار اين سیاست هم امروز بر همکان روشن است. يك سازمان سياسی نميتواند تاكتيکهاي مخفی اتخاذ کند. تاكتيکي که در برابر توهه ها قرار ميگيرد، بايد صريح ، شفاف و روشن باشد. تاكتيک پيشنهادي جناح چپ راه کارگر، به چيزی جز انحلال چپ در جنبشهاي بورژواي و ايجاد توهم نسبت به جريانات بورژواي در ميان مردم، نمي انجامد. اين سر - درگمي و اغتشاش جناح چپ راه کارگر، نتيجه ديجري جز تقويت جناح راست اين سازمان تحواهد داشت. استثنائي و ملاحظات مشتاق واقعاً مواضع جناح چپ راه کارگر را در برابر جناح راست تعريف ميکند. از اين مساله که بکذريم مگر راه کارگر بر طبق مواضع رسمي اش، مدعى نبود که به چيزی جز برقراري فوري يك حکومت خالص کارگری و برقراري فوري سوسياليست رضایت تحواهد داد. حالا که وقت عمل رسیده است، تمام بحث ها در اين خلاصه شده که باید اشکارا از يك جناح حکومت دفاع کرد، و يا پنهانی در ميتابگاهای جريانات بورژواي ديجري شركت کرد. در مورد ادعای جناح راست پيرامون حکومت کارگری و سوسياليسم، ميان و چنانچه از قبل هم معلوم بودكه اينها شعار است و مصرف تبلیغی برای اين جناح دارد. اما جناح چپ راه کارگر چرا به دام "استثنائي" و "ملاحظات" و تاكتيک حمایت غيرعلني از جناحهاي بورژوازي بر خاسته است. مگر قرار نيست از هم اکنون برای استقرار حکومت کارگران و زحمتکشان در ايران تلاش و مبارزه نمود؟ البته ممکن است يه ما پاسخ دهنده که تلاش برای بازگردان فضای سياسی در خدمت همین هدف است. در اين صورت ما خواهيم گفت: پس شما استقرار يك حکومت بالنسبيه دمکراتيک و در بهترین حالت يك جمهوری پارلماني را مقدم بر استقرار حکومت کارگران و زحمتکشان قرار داده ايد، در اين صورت همان ماجرايی که از دوران پرنشتنين و کائوتسيکي ، مدام تکرار شده، باز هم در ايران تکرار خواهد شد و روز بروز و عده شرایط دمکراتيک توأمده شدن بيشتر طبقه کارگر داده خواهد شد. در اين روند تدريجاً حکومت کارگری به فراموشی سپرده خواهد شد و درجاهاي بورژوازي بروژوازي وظيفه دفاع از نظم موجود را با شركت درکابينه هاي بورژوازي بر عده خواهند گرفت. و قتي که امروز و در همین توشهتمور دفعه، مشتاق به عنوان يك از سخنگويان جناح چپ راه کارگر، از ميلانيس و شركت سوسياليستها درکابينه هاي بورژواي بعنوان "يک دکم" سخن ميگويد و مينويسد: "بر طبق اين دکم کمونيستها تنها موظف به شركت در قوه مقننه بورژواي هستند و هن قوه اجرائيه" از تزني دفاع ميکند که همواره اپورتونيست و رفرميست ترين احزاب ازان دفاع کردن، در اين صورت ميتوان گفت که از ديد نويسته مقاله هيچ اشكالی ندارد که در جمهوری پارلماني آتی ايران، سوسياليستها در کنار بورژواها، در کابينه هاي بورژواي بنشينند و به رتق و فتق امور بورژواي پردازنند. در اينجاست که مواضع جناح چپ و راست راه کارگر به يك نقطه ميرسند. جناح چپ راه کارگر، برای اين که ميتواند به عنوان يك جريان واقعاً چپ در برابر جناح راست قرار گيرد، راه ديجري جزاين ندارد که نخست با خود يك توسيه حساب کند، تمام مهمات و نوسانات خود را به دور بريزد ، بجای تئوري پردازني و توجيه گري برای حمایت از اين يان جناح بورژوازي، بشکل علني يا مخفی، دست رديرسينه همه جناحهاي بورژوازي يزن، پيگيرانه به افشاري همده آنها بپردازد و از همین امور مساله سرنگونی جمهوری اسلامي و برقراري حکومت کارگران و زحمتکشان رادرستور کار قرار دهد. جمهوری اسلامي راه خلاصي از بحران موجود ندارد، با تشديد روزافزون اين بحران، مبارزه کارگران و زحمتکشان شکلي سياسي و علني بخود خواهد گرفت و در چنین شرایطي تووه کارگر و زحمتکشان حول راديکال ترين شعارها متشكل ميشوند. چپ کمونيست از هم اکنون تنهایا دفاع از استقلال طبقاتي کارگران، و فراخواندن کارگران و زحمتکشان به حمایت آشكار يا پنهان از اين يا آن جناح بورژواي، ميتواند نقشي واقعه انتقابي در راه استقرار حکومت کارگران و زحمتکشان ايفا کند.

نشریه راه کارگر شماره ۱۶۰ که در اريبيهشت انتشار یافته، ضممه اي دارد به نام "بوتن مباحثات کنگره" در اين بوتن، مقاله اي به قلم بايک مشتاق انتشار یافته است تحت عنوان "تاكتيک تحريم انقلابي يا رئال پليتيک شركت اعتراضي؟!" از مضمون مقاله چنین بر مي آيد که نويسته از مواضع جناح چپ سازمان کارگران انقلابي ايران دفاع ميکند و مواضع جناح راست اين سازمان را به نقد ميکشد. وي ابتدا چهار گرایش مختلف را که در پرخورد به انتخابات ۲ خرداد ۷۶ و تحولات پس از آن در سطح جنبش شکل گرفت توضیح ميدهد. در جريان بحث خود البته حکمي هم در مورد مواضع سازمان ما صادر ميکند که چون حکمي است بدو استدلله و ارائه فاکت و دليل، از پرداختن به آن ميکدريم. نويسته سپس به بحث اصلی که مسائل درونی مورد اختلاف در راه کارگر است، ميپردازد. مواضع جناح راست اين سازمان را در پرخورد به تحولات پس از ۲ خرداد ۷۶ رد ميکند و نتيجه ميگيرد: "ما بمثاله يك جريان اپوزيسيون و مخالف ج. ۱. و قانون اساسی اش مادام که از حق فعالیت قانونی و تبلیغ و سازمان گري پرخوردار نيسیتم و نميتوانیم در انتخابات کانديدا معرفی کنیم، نه تنها انتخابات رژيم را برسمیت نمي شناسیم بلکه کاملاً آن را ضد دمکراتيک و فرمایشي ميپنداrim." لذا "لغو سیاست رسمي تحريم توسط سازمان را نوعی خودکشی و باج دهي سیاسي ميپنداrim. بنا بر اين اگر باز هم جنبش ۲ خرداد تکرار شود، مادام که آزاديهای اوليه برای احزاب وجود ندارد، دربهای ما کماکان برپا شده تحريم خواهد چرخید". تا اينجا موضعی که نويسته دفاع ميکند، موضعی راديکال، انقلابي و صريح است. اين موضع، خط مرز صريح و روشنی ميان جناح چپ راه کارگر که انتخابات قلابي و فرمایشي و ضد دمکراتيک جمهوری اسلامي را افشا ميکند، و تاكتيک تحريم را در برابر توهه هر دو قرار ميگيرد. در اينجا راست که پوشیده و آشکار ميچواهد از يك از جناحهاي حکومت دفاع کند، از عدم شرکت در انتخابات رياست جمهوري نام است، تمايل داشت همانند سازمان اتحاد فدائيان خلق در انتخابات شوراهای اسلامي شهر و روستا شرکت کند، و احياناً نظرش اين است که در انتخابات آينده مجلس ارجاع به نفع يك جناح از حکومت وارد عمل شود، ترسیم ميکند. اما از اين به بعد "استثنائي" و "ملاحظاتي" وارد تحليل نويسته ميشود که اين موضع صريح را خدشه دار ميکند. و مواضع جناح چپ راه کارگر را در برابر تعزضات جناح راست آسيب پذير ميپازد.

نويسنده در ادامه بحث خود ميپرسد "اما هيچ استثنائي برای اين مفترض نیست؟" و پاسخ ميدهد "چرا این قاعده استثناء دارد و آن اين که احزاب و جريانات آزادبخواهی در انتخابات شرکت داشته باشند که بی غل و غش در پلاتقزم انتخاباتي خود از آزادی عقيده، بيان و تشکل دفاع کنند. تنه در اين صورت ما علی رغم موافق نبودن با آن حزب و جريان مورد نظر، مجاذيب جهت بازترکردن فضای سیاسي کشور و برهمن زدن آرایش قوا از کانديداهاي آن حمایت کنیم." پاي اين استدلله واقعاً ميلنگ. تا جائي که ما ميدانیم از ميان طبقات و اقشار جامعه، تنها يك طبقه و آن طبقه کارگر است که "بي غل و غش" مدافعان آزاديهای سیاسي و حقوق دمکراتيک مردم است، و تنها سازمانهاي کمونيست هستند که "بي غل و غش" ميتوانند از آزادی عقيده و بيان و تشکل دفاع کنند. آيا ميشاناق جريان ديجري را سrag دارد؟ آيا فكر ميکند در انتخابات جمهوري اسلامي ميتواند سازمانی پيدا شود که "بي غل و غش" از آزادی عقيده، بيان و تشکل دفاع کند؟ ما در عالم رويازندگي نميکنیم. با واقعيت هاي زميني روبرو هستيم. خيال باطلي است که کسی تصور کند، در حالی که جمهوری اسلامي موجود است، سازمانی جريانات طرفدار رژيم جمهوري اسلامي، اجازه معرفی کانديدا در انتخابات را نمیدهد، که نموده مجيسم آن نهضت آزادی است، سازمانی در انتخابات شرکت کند که "بي غل و غش" از آزاديهها و حقوق دمکراتيک مردم دفاع کند. نويسته در اينجا يا خود در موردماهیت اوضاع متوجه است و يا ناخواسته توهم پراكنی ميکند. در پي اين "استثناء" مشتاق، قيد يك "ملاحظه" راهم قرار ميدهد و مينويسد: "در همین ارتباط يك ملاحظه ديجر وجود دارد و آن اين که ممکن است گفته شود اگر احزاب يا جرياناتي چنین محوري را در پلاتقزم انتخاباتي خود نگچانده باشند، اما بدليل مخالفت با ولایت فقيه و جناح اصلی رژيم و دفاع از تسامح و تساهيل در مقابل دگرانديشان خواستار نوعی فضای باز سیاسي باشند، نظير افراد موج سوم، نهضت آزادی، طبرزدي ها، سروش ها و غيره. آيا نميتوانيم از اينها حمایت کنیم؟ به نظر من بطور رسمي نه. اما به صورت پوششی ميوان در هرچجا که اينها از خود جنب و جوسي نشان ميدهند، حضور يافت "زمین زير پياسان را داغ نمود" و "حرف دردهانشان گذاشت" چگونه؟ "سازمان ماريکار در واخر ۵۹ و ۶۰ در پرخورد با بنی صدر(آنرا) به اجرا گذاشت . . . ما با شركت در متينگ هاي

## آکسیونهای اعتراضی در خارج کشور

### در حمایت از مبارزات دانشجویان در ایران

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،  
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه  
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از  
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان  
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

این آکسیون که در مقابل سالن پرواز "ایران ایر" و هم زمان با پرواز مسافرین ایرانی بود،  
توجه بسیاری از مسافرین ایرانی را به خود  
جلب کرد.

در سوئد نیز طی روزهای مختلف، حرکات متعددی در دفاع از خواسته ای از اقلایی دانشجویان برگزار شد. روز ۱۵ ژوئیه از سوی ۱۶ سازمان، حزب و کانون دمکراتیک تظاهراتی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی سازماندهی شد که قریب به ۶۰۰ تن در آن شرکت کردند. تظاهر کنندگان در مقابل ساختمان سفارت کشیدند. از سوی پلیس حفاظت میشد گردد آمدند. شعار های این آکسیون عبارت بودند از: "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، "سفارت جمهوری اسلامی مرکز جاسوسی و ترور". طی این مراسم یک سخنرانی از سوی برگزار کنندگان ایراد شد. پس از اجرای ترانه و سرودهای اقلایی، بیانیه ها و پیام های سازمانها و جریانات سیاسی قرائت گردید.

در انگلیس فعالان سازمان با تنظیم قطعنامه پیشنهادی در دفاع از مبارزات دانشجویی و توهه ای علیه رژیم و در محکومیت جمهوری اسلامی خطاب به حزب کمونیست بریتانیا (م.ل.) از آنها خواسته شد جهت نجات جان بازداشت شدگان اقیام نمایند. همین قطعنامه در اختیار مسئول مرکزی روابط بین المللی و صدر کمیته بین المللی اتحادیه همصداق قرار گرفت. مسئول روابط بین المللی اتحادیه همصداق پذیرفت که این خواست را با کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان (ت.ب.و.س.)، تشکل بین المللی ۱۴۰ اتحادیه خدمات، سازمان ملل و دولت بریتانیا در میان بگذارد.

در بیانی از کشورهای دیگر از جمله آلمان، بلژیک، آمریکا، سوئیس و اتریش نیز آکسیونهای اعتراضی برگزار گردید.

در هلند یکرشته آکسیونهای اعتراضی علیه سرکوب و کشتار دانشجویان برپا شد. روز ۲۴ ژوئیه بدعوت کانون نویسندهای ایران و تریبونال بین المللی علیه جنایات رژیم، آکسیونی در شهر لاهه برگزار گردید. در این حرکت متسافرانه جریانات راست و سلطنت طلب که خود در سرکوب اقلاییون طی دوران پهلوی و جمهوری اسلامی نقش داشته اند، فرستاد ابراز نظر یافتند.

روز ۲۵ ژوئیه بدعوت ۷ سازمان و گروه سیاسی تظاهراتی اعتراضی در فرودگاه بین المللی هلند در آمستردام برگزار گردید. این مراسم بدعوت فعالین سازمان ما، هواداران سازمان کارگران اقلایی ایران (راه کارگر)، اتحادیه کمونیستها، سازمان دانشجویان ایرانی (هوادار چویکهای فدائی خلق ایران)، کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید، گمیته دفاع از مبارزات کارگران و زحمتکشان و حزب کمونیست ایران فرا خوانده شد. در طی این آکسیون، تظاهر کنندگان بادادن شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، کارگر دانشجو اتحاد اتحاد، سرکوب دانشجویان محکوم است، توجه صدھا مسافر حاضر در فرودگاه را جلب نمودند.

## شماره فکس

### سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹ - ۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

KAR Organization Of Fedaian (Minority)

No. 328 aug1999

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

I. S. F  
P. B. 398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

M. A. M  
Postbox 6416  
75139 Uppsala  
Sweden

Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

A. A. A  
MBE 265  
23 , Rue L ecourse  
75015 Paris  
France

P. B . 22925  
1100 DK Amsterdam  
The Netherlands

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی  
زیر واپس و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به  
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمائید

I.W.A  
6932641 Postbank  
Holland

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fedaian-minority.org](mailto:info@fedaian-minority.org)